درود پر شور به طبقه کارگر فرانسه و پیشاهنگ آن حزب کمونیست

که در راه تحقق خواستهای اقتصادی و سیاسی، دموکراسی و سوسیالیسم با آگاهی و استواری مبارزه میکنند!

خرداد ماه ۱۳۴۷ — دورهٔ ششم، شماره سی و نهم

ماهنامهٔ مردم — ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

خوانندگان ماهنامه مردم: دفاع دلیرانهٔ رفیق آصف رزم دیده، کارگر عضو حزب توده ایران را در صفحات ۳ و ٤ و ٥ این شماره بخوانید.

نامه عده‌ای از زندانیان سیاسی بکنفرانس جهانی حقوق بشر

جناب آقای اوثانت،
دبیر کل سازمان ملل متحد و
نمایندگان محترم کنفرانس
جهانی حقوق بشر!

ما امضاء کنندگان زیر، زندانیان سیاسی قصر «تهران» از طرف خود و عده ای از زندانیان سیاسی باتفاق مردم ایران بشما خبر مقدم میگوئیم و تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر را قدمی مثبت در راه تحقق حقوق بشر تلقی میکنیم.

متاسفانه، گرچه ۲۰ سال از تاریخی که اعلامیه حقوق بشر اعلام شده است میگذرد هنوز در بسیاری از نقاط جهان حقوق مردم زیر پا گذاشته میشود. خارجیان در افریقا، حقوق مردم افریقا را پایمال میکنند و آنهارا تحت فشار میگذارند و شکنجه میکنند، در امریکا و برخی از کشورها تبعیض وجوددارد ومردم آزادیخواه در آسیا و افریقا، اقیانوسیه و امریکای لاتین از مظالم استعمار طلبان رنج میبرند و نمیتوانندسرنوشت خود را، خود آزادانه تعیین نمایند. هنوز قسمتهای زیادی از جهان مستقیم یا غیر مستقیم زیر یوغ استعمار جهان قرار دارد و هر ملتی که بخواهد استقلال خود را بدست آورد و برای گرفتن حقوق خویش بپا خیزد، مانند مردم ویتنام با تجاوز علنی و خشن امپریالیسم مواجه میشود. رژیمهای ضد دمکراتیك و فاشیستی و نظامی هنوز در خیلی از کشور ها حکومت میکنند و این قابل تاسف است و ممکن است باعث تعجب شما شود وقتی مطلع شوید و ملاحظه نمائید که در ایران در کشوری که میزبان جامه جهانی حقوق بشر است، حقوق اساسی و ابتدائی مردم و خیلی از مواد اعلامیه حقوق بشر نقض شده است.

دراین بر خلاف ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر، میهن پرستان و آزادیخواهان از حق آزادی بیان، آزادی قلم و آزادی اجتماع آزادی عقیده محروم اند، بر خلاف ماده ۲۱ مردم ایران حق ندارند در امور کشور خود دخالت نمایند، سازمانهای دمکراتیك و ملی اجازه ندارند آزادانه فعالیت نمایند و اعضای آنها را زندانی میکنند و برای آنکه «جرم های» انتسابی را قبول کنند تا حد مرگ

دنباله در صفحه ٦

ما برای وحدت عمل آماده بوده‌ایم و هستیم

اخیراً «سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا» بواسطه موج تازه تضییقاتی که از طرف رژیم استبدادی در سودهای از آزادیخواهان و مبارزان اعمال شده است، اعلامیه‌ای نشر داده است. در این اعلامیه پس از ذکر آنکه «سازمان امنیت به دستگیری بیش از ۱۳۰ نفر از دانشجویان و عده کثیر دیگری از آزادیخواهان و جوانان مبارز کشور... دست زد» نوشته شده است: «مطابق اخبار موثق جلادان سازمان امنیت، دستگیر شدگان را طبق معمول تحت شکنجه‌های شدید قرار داده‌اند و نسبت به چند تن از آنان و ازجمله آقایان یزدی جزنی، مور کسی، حسن ضیاء ظریفی، مجید احسن، محمد عسکری، از هیچ عمل وحشیانه ای خود داری نکرده اند تا آنجا که جان آقایان جزنی و ظریفی در خطر است... اعلامیه جبهه ملی در اروپا علت واکنش های خشن رژیم را بیموی از گسترش و اعتلاء نوین جنبش دمکراتیك جوانان و جنبش آزادیخش کشور در مجموع خود در یکسال اخیر» میداند و می نویسد: «سران مستبد رژیم میدانند در صورت سر کوب نکردن فوری و شدید تکانهائیکه گاه گاه این آتش فشان بجامعهٔ ایران میدهد، هر آن، بیم آن میرود که این نیروی شگرف آزاد گردیده سراپای دستگاه قلدری آنها را زیرو رو کند» سپس اعلامیه از تظاهرات وسیع دانشجویان ایرانی و خارجی در اروپا علیه رژیم، از بسط مبارزات دانشجوئی در دانشگاه تهران، پلی تکنیك، دانشکده صنعتی انستیتوی تکنولوژی، دانشسرای عالی، موسسه عالی بازرگانی، دانشگاههای شیراز، اصفهان، تبریز، مشهد، تظاهرات بمناسبت درگذشت دکتر مصدق، تشدید مبارزات روحانیون آزادیخواه و مترقی، اعتصاب معلمین، نمایش بزرگ مردم تهران بمناسبت مرگ تختی وغیره، بمثابه نمودارهای مشخص این گسترش و اعتلاء نوین نهضت - سخن می گوید:

آنچه که بویژه در این اعلامیه مورد توجه است، نتیجه درستی است که از مطالب گفته شده آغاز میگردد، اعلامیهٔ سازمانهای جبهه ملی در اروپا» در این زمینه چنین می نویسد:

«بخاطر نجات بدنبال جدید استبداد در ایران و بنا بمجموع ملاحظات فوق. سازمانهای جبهه ملی ایران کشودن جبهه وسیعی را در جهت دفاع از دستگیر شدگان اخیر لازم میدانند

ما نه فقط خود از امکانات و وسائلی که در اختیار داریم در این جهت استفاده خواهیم کرد، بلکه شرکت در این مجاهدت عادلانه را بر همهٔ سازمانها، گروهها و افراد آزادیخواه و میهن پرست در داخل و خارج از کشور واجب میدانیم و از همه نیرو ها دعوت می کنیم که در سازمان دادن یك کوشش و اقدام همگانی در این راه با ما همگام شوند.» (نکته روی کلمات از ماست - مردم)

دنباله در صفحه ٦

کنفرانس حقوق بشر درتهران پایان یافت

کنفرانس حقوق بشر که از دوم اردیبهشت در تهران تشکیل شد روز ۲۳ همان ماه با صدور اعلامیه‌ای بنام «اعلامیه تهران» پایان یافت. این اعلامیه دارای یك مقدمه و ۱۹ ماده است که روزنامه کیهان خلاصه مواد آنرا اینطور نقل میکند: «لزوم تفاهم مشترك میان مردم جهان، احترام بحقوق مسلم فرد درجامعه، مبارزه علیه کلیه تبعیضات نژادی، محو کلیه ایدئولوژی های مبنی بر تفوق نژادی، پایان دادن به تجاوز و جنگ در جوامع بشری، مبارزه علیه بیسوادی، از بین بردن عدم تساوی حقوق زن و مرد، حمایت خانواده و کودك و خلع سلاح که عالیترین هدف انسان هاست...» و سپس این روزنامه اضافه میکند که: «در پایان اعلامیه تهران کنفرانس از کلیه ملل و دول خواسته است که تمام هم خود را مصروف بثمر گذاشت اعلامیه حقوق بشر و تعالی بشر و رفاه جسمی اجتماعی و معنوی آن نمایند.»

بطوریکه معلوم است حزب ما ضمن اعلامیه‌ای، مدتها قبل از تشکیل کنفرانس آمادگی خود را برای همکاری و وحدت عمل با تمام نیرو های ملی و سازمانهای اجتماعی قطع نظر از عقاید سیاسی آنها برای مبارزه مشترك بمنظور افشای ریاکاری رژیم دیکتاتوری ایران که کنفرانس حقوق بشر را بکشوری کشانده که در آن ابتدائی ترین حقوق انسانها پایمال میشود، اعلام داشت و طرق مشخص افشاگری را نشان داد. حزب ما تا آنجا که درقدرت او بود بوسیله صدور اعلامیه ارسال اعتراض نامه بسازمان ملل، پخش گفتار های افشاگرانه از رادیو پیك ایران و انتشار مقالات در نشریات حزبی، کوشش نمود که اعضای کنفرانس را از وضع واقعی میهن ما آگاه سازد. حزب ما با آنکه با

بقیه در صفحه ۲

خلق قهرمان ویتنام، قهرمانانه از استقلال میهن خویش در برابر امپریالیسم تجاوزکار امریکا دفاع میکند.

دنباله از صفحه ۱

کنفرانس حقوق بشر در تهران پایان یافت

وا کنش مناسبی در مقابل پیشنهاد وحدت عمل از طرف سایر نیرو های ملی و ضد رژیم رو برو نشده با وجود این اقدامات و اعتراضات آنها را در این زمینه بوسیله رادیو پیک ایران باطلاع مردم رساند. در آستانه تشکیل کنفرانس کبه اعتراضاتی که از طرف سازمان های مختلف در مورد انتخاب تهران بعنوان محل تشکیل کنفرانس بعمل آمد از جمله اعتراض نامه های کنفدراسیون دانشجویان ایران در خارج، سازمان سوسیالیستی آموزشگاههای عالی مونیخ، سازمان دانشجویان لیبرال آلمان غربی در مونیخ و اعتراض کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران را که با شرکت شخصیت های معروفی مانند (سارتر) در فرانسه وجود دارد، از یک ایران پخش نشود. اما بدون تردید تاثیر این فعالیت ها بمراتب بیشتر و مبارزه بدرجات دامنه دارتر و شریفتر ترمیشد اگر این اقدامات جداگانه متمرکز و جریان مبارزه از طرف یک مرکز که نماینده تمام نیرو های دمو کراتیک باشد رهبری میکردید.

اینک که کنفرانس پایان یافته میتوان بهتر مقاصد پلید و مذوبانه حکومت ایران را فاش کرد بدون تردید تشکیل این کنفرانس و کنفرانس های مشابه آن از قبیل کنفرانس مبارزه با بیسوادی یونسکو در تهران، هزینه های سنگینی بودجه کشور تحمیل میکند، و زحمت زیادی برای دستگاههای دولتی ایجاد مینماید اما چه نفعی بحال کشور دارد؟ شکی نیست که در شرایط و اوضاع و احوال کنونی ایران نباید گفت هیچ؛ سود که نیست بجای خود زیانهم دارد. زیرا بحساب جیب مردم ایران حکومت دیکتاتوری پرده‌ای از ریا و تزویر بر چهره کریه خود میکشد و بخصوص شاه بسیار «دمو کرات» و «مردم دوست» ایران فرصت پیدا میکند که با وارونه کردن حقیقت بر محراب ومنبر اینگونه کنفرانس‌ها جلوه گری کند و افکار عمومی جهان را بسود شخصی خود منحرف نماید، شاه در آغاز کنفرانس بنام رئیس کشور مهمانداد پشت میز خطابه رفت و بدون سرزنش وجدانی چنین سخنانی را بر زبان راند: «آنچه در گذشته بجهان تصور و رؤیا تعلق داشت در قانون اخلاقی دنیای ما که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ بوسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد بتصویب رسید، جائی طبیعی و عادی پیدا کرد. باین ترتیب بنظر من مفید بلکه ضروری است که در آستانه این کنفرانس بزرگ نه تنها ارزش معنوی و الهام بخش اعلامیه، بلکه نیروی عملی بی انتها و نفوذ همه جانبه و وسیع آنرا خاطر نشان سازیم» و افزود که: «اجرای واقعی و مؤثر عدالت قضائی، تأمین حقوق مدنی و دموکراسی سیاسی همراه با عدالت اجتماعی، تأمین حقوق اجتماعی و دموکراسی اقتصادی، تنها وظیفه ملی هر دولتی را تشکیل میدهد، بلکه پر ارزش ترین هدیه‌ایست که هر حکومتی میتواند بجامعه بشری و صلح بین المللی بدهد». براستی اگر آنچه شاه در گفتار ادعا کرد با واقعیت زندگی جامعه ایران تطبیق مینمود، افتخاری نصیب کشور ما میگردید که در یک مجمع بین المللی بدان بالزیم و دیگران را بداشتن آنچه ما داریم تشویق نمائیم. اما بجای افتخار اینگونه دعاوی باطل فقط تنگ و رسوائی برای گردانندگان رژیم بار می آورد نه چیز دیگر. چقدر گونه نظراته است که حکومت گمان بردبا ارعاب مردم در آستانه کنفرانس و با تنظیم برنامه های سرسام آور برای پر کردن ساعات بیکاری نمایندگان و سانسور شدید مطبوعات، حتی سانسور مطلق کنفرانس در مطبوعات ایران و تشدید مراقبت مأموران سازمان امنیت در اطراف محل کنفرانس و ممکن نمایندگان، مانع از آن خواهد شد که آنها از اوضاع داخلی ایران سر در بیاورند. اما انتشار اخبار ذیل نشان میدهد که در دنیای امروز اینگونه چشم بندی ها از اثر افتاده است. هفته نامه تریبون (لندن) ۲۵ آوریل بر اساس خبر واصل از تهران مینویسد: «حالا که کنفرانس حقوق بشر سازمان ملل متحد در تهران برگزار میشود، یک موج اختناق جدید در جریان است. اگر ارش ایران مصمم است و نقشه میکشد که نیرو های سوسیالیست و مترقی مملکت را نابود کند. اخبار و نامه‌هائیکه از داخل زندان های قرون وسطائی ایران به بیرون قاچاق شده‌اند، حاکی از این اند که بسیاری از زندانیان شکنجه شده و مورد اهانت قرار گرفته‌اند. تقریباً دو ماه پیش چهل نفر بدون ارائه هیچگونه دلیلی از طرف دستگاه باز داشت شدند و اکنون مکان و سرنوشت بیشتر آنها معلوم نیست. یکی از آنها بنام بیژن جزنی فارغ التحصیل فلسفه از دانشگاه تهران، سوسیالیست و عضو جبهه ملی ایران ۶۲ ساعت زیر شکنجه بوده است. یکی دیگر بنام ضیاء ظریفی بشدت مجروح شده است. همایت الله متین دفتری وکیل دادگستری، فارغ التحصیل دانشگاه کیمبریج و نوه دکتر مصدق و همسر سوم آوریل دژدیدند (هدایت‌الله فرزند دکتر متین دفتری رئیس جمعیت رسمی و علنی طرفداران حقوق بشر در ایران است) دو نفر پلیس مخفی در جلو دانشگاه تهران باو نزدیک شده و با زور او را بداخل اتومبیلشان کشاندند... این نمونه اختناقی است که امروز گریبانگیر ایرانیان است....» روزنامه فرانسوی لوموند مورخ ۲۵ آوریل، اعتراض نامه کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران را که از شخصیت های علمی و فرهنگی برجسته‌ای مانند ژان پل سارتر تشکیل میشود، منتشر کرد که ما قسمتی از آنرا در اینجا نقل میکنیم: «سازمان ملل متحد نمایندگان دولتهای امضاء کننده اعلامیه حقوق بشررا درتهران مجتمع میکند. حکومت ایران ابتدائی ترین آزادیها را از بین برده است آزادی بیان آزادی عقیده آزادی اجتماع، آزادی تشکیل جمعیت، آزادیهائی را که قانون اساسی ایران که از لحاظ تئوری هنوز متبع است، حق مردم شناخته است. بدیهی است که در این کنفرانس از قوانینی که برای تأمین آزادی های فردی و اجتماعی مردم این خیل کشورها وضع شده و از پیشرفت دمو کراسی در آنها سخن بمیانه خواهند کشود، سخن از تأمین آزادی و پیشرفت دمو کراسی در کشور هائی خواهند گفت که در آنها وطن دوستان را میرانند. شکنجه میکنند، در دادگاههای نظامی سری محکوم میکنند بقتل میرسانند یا در سلولهای دو متر در دو متر بدون آنکه حق ملاقات داشته باشند تن و روانشان را تباه سازند.» (۱)

نمونه دیگری از «اجرای واقعی و مؤثر عدالت قضائی» که شاه از آن بعنوان «وظیفه ملی» سخن بمیان آورد، جریانی بود که دو نفر از رفقای کارگر ما آصف رزم دیده و صابر محمد زاده در دادگاه تجدید نظر در بسته نظامی است بطوریکه بتفصیل در مقدمه آخرین دفاع رفیق رزم دیده دراین شماره میخوانید، این رفقا را در دادگاه بدوی بدون تشکیل رسمی دادگاه بحبس های طولانی محکوم کردهاند. آنها را از زندان به «دادگاه» برده و بمحض ورود حتی بدون آنکه اعضاء «دادگاه» بنشینند و رسمیت دادگاه را اعلام کنند حکم محکومیت آنانرا بوسیله منشی محکمه بآنها ابلاغ نموده‌اند. نامه زندانیان سیاسی زندان قصر که متن آن در همین شماره درج گردیده نمونه دیگری از «اجرای واقعی و مؤثر عدالت قضائی» شاهانه را ارائه میدهد.

* *

هیئت نمایندگی ایران بریاست اشرف پهلوی بنام نوزده ماده مندرج در «اعلامیه تهران» رأی داد و اشرف پهلوی پس از پایان کنفرانس اعلامیه را «یک سند تاریخی» نامید و در مصاحبه با خبرنگاران داد سخن داد در حالیکه نه فقط هیچکدام از مواد مصوب کنفرانس بدنگه هیچکدام از ساده ترین و ابتدائی ترین مواد اعلامیه حقوق بشر در کشوریکه این «شاهزاده خانم» نماینده آنست مراعات نمیشود حکومت ایران ماده مربوط به لزوم محو کلیه ایدئولوژیهای مبنی بر تفوق نژادی و سازمانهای فاشیستی و توتالیستی را تصویب و باین عمل خود مباهات میکند ولی درعمل تمام سازمانهای دموکراتیک و ضد فاشیستی را در هم میکوبد و سازمانی نظیر «پان ایرانیسم» را که بر اساس تئوری نژادی و متد سازمانی فاشیستی تشکیل گردیده، بوجود میآورد و کرسیهای شورا و سنا را بدانها اختصاص میدهد. حکومت ایران از تساوی حقوق زن ومرد، از مبارزه با بیسوادی و جهل، از حمایت خانواده و کودک و احترام بحقوق فرد در جامعه در اینکونه کنفرانسها بحرف، فقط بحرف، پشتیبانی میکند و خود را بصورت کریه عاید نشان میدهد ولی لازم بتکرار نیست که از سایهٔ سر عمل حکومت هنوز زنان در کشور ما از حقوق برابر با مردان محرومند، هنوز ۸۰ در صد از مردم ما بیسوادند، هنوز از کودکان و مادران کمترین حمایتی نمیشود و هنوز کمترین حمایتی از حقوق افراد بعمل نمیآید. بهر حال کنماندن این کنفرانس و نظائر آن بتهران جزئی از نقشهٔ کلی رژیم برای پوشاندن ماهیت ضد ملی و ضد دمو کراتیک خود میباشد. وظیفهٔ تمام نیرو های مترقی میهن ما افشای این سیاست و برهم زدن اینگونه نقشه های مزورانه است که حزب ما با سربلندی آنرا انجام میدهد.

۱. کوبا

(۱) ترجمه های تریبون و لوموند از خبرنامه جبهه ملی ایران نقل گردید.

ما به تبعید زندانیان سیاسی معترضیم

رفیق آصف رزم دیده روز ۲۹ اسفند به اهواز تبعید شد. رفیق دیگر ما صابر محمد زاده در قلعه نمائیه تبعید شده بود. باین ترتیب رژیم شاه، مبارزان سر سخت را که در جنگلهای دژ خیم برازجان و نمائیه، دور از زندانی بزندان دیگر تبعید میکند، مکان جز به براز جان، خاوری فراهانی، پورزری به خرم آباد، اوانیان به کرمان و معتمدی و بنیر عباس و محمد زاده به رضائیه و رزمدیده به اهواز... مبارزانی را که در بندند و کردر تهران باشند، خانواده های آنها ممکن است با آنها ملاقات کنند و گاه گاه غذائی یا لباس تمیزی به آنها برسانند. بنظر میرسد، که از هر نوع کمک خانواده محروم شوند و همسران، کودکان خردسال و مادران پیر خود را نبینند و بقول نادر نادرپور آنقدر در زندان بمانند تا از پای در آیند.

تصحیح لازم

در سرود چهارم حزبی صفحه در شماره پیشین طبع شده مشاهده چند اشتباه رخداده است. در بند دوم مصرع سوم باید خوانده شود: «مهر آزادی رسم وراه ماست (و نه «راه و رسم ماست»). در بند سوم مصرع دوم باید خوانده شود: «دیو استعمار زخانه بیرون راند (و نه «دیو استبداد»). در همان بند مصرع چهارم باید خوانده شود: «صاحب خاک پاک میهن اوست» (و نه «صاحب اصلی خاک میهن اوست»). از آنجا که این اصلاحات در وزن، آهنگ و در معنای درست سرود مؤثر است، لطفاً تصحیح فرمائید.

توجه!

بهای کتاب «انقلاب اکتبر و ایران» ۸۰ ریال است که در شماره گذشته اشتباهاً ۴۰ ریال چاپ شده است.

دنباله از صفحه ٤

آخرین دفاع رفیق آصف رزم دیده در دادگاه تجدید نظر نظامی

را خوب میدانید و شما خوب میدانید که در انتخاب مجلس در ادوار گذشته و دوره حاضر تا چه حد ارادهٔ مردم مداخله داشته است. چقدر خوبست از و لائی فعلی حدود و تغور و کیفیت و بالاخره وضع جغرافیائی حوزه انتخابیتان را سئوال بفرمائید، از خود مردم بپرسید و کیل شما کیست؟ کجائی است؟ و چگونه آدمی است؟ اینهاست نمونه آزادی در کشور ما، اینهاست که مردم را از اجرای قانون و اطلاعت از آن باز میدارد. چرا راه دوری بروم، در همین دادگاه حاضر آیا آنچه که قانون گفته است در بارهٔ ما رعایت میشود، چه کسی ملاحظت دادگاه را تصویب میکند؟ هیئت منصفه کو که درقانون بصراحت از حضور آن در دادگاه صحبت شده؟ و لائی مدافع کجا هستند؟ برای ما دو نفر کارگر ساده و باصطلاح متهم ردیف ۱ و ردیف ۲ و کیل تسخیری انتخاب کرده اند وکیلی که در دادگاه درپسته نظامی شرکت میکند پیداست که روی او هزار بار مطالعه شده است و محلت و محکمهای مختلف گذشته مطالبات وقتیکه در باره پرونده و نحوه دفاع با ایشان صحبت کردم در جوابم گفتند که من از دفاع قانونی معلومم بپرسید پس وظیفه وکالت را چگونه و بچه ترتیب انجام خواهی داد؟ گفت چند دقیقه ای مینشینم و بی کار خود میروم. اینست مفهوم آزادی در کشور ما، اینست آن آزادی که حتی و کیل مدافع از دفاع قانونی وحشت دارد. و کیل که جرأت ابراز مطلب ندارد از مطبوعات و جرایده و تماشاچی و وجود هیئت منصفه هم خبری نیست از دو کارگر ساده هم کاری ساخته نیست پس چه کسی باید جواب ادعا نامهٔ دادستان را بدهد؟ چه کسی باید به دادستان بگوید که عضویت در حزبی که مبانی آن تئولوژی علمی دارد، حزبی که تا اعماق فکر مردم برای خود جا باز کرده است، حزبی که تنها دستگرد و پایگاه مبارزه با امپریالیسم خون آشام بین المللی است، یك حزبی که بخاطر آزادی طبقه کارگر و اصناف و احقاق حقوق اجتماعی و بنای ریشه کن کردن سیستم فئودالی و خان خانی صد ها و هزارها قربانی داده جرم نیست، گناه نیست، کیفر و مجازات ندارد. آقایان محترم مراجع قضائی و حقوقدانان بزرگ دیگر در برابر جرم معین مجازات معین تعیین نمیکنند یا ما شما در برابر جرم مجهول میخواهید مجازات تعیین کنید و حتی به علل و جهت آنهم توجهی ندارید. مگر حزب توده ایران چه گفته است، چه میگوید و چه میخواهد بکند که عضویت در آن جرم وطن فروشی است، بیگانه پرستی است و مخالف با استقلال و امنیت کشور است. حزب توده ایران از همان آغاز تشکیل خود تا کنون همیشه گفته است و میگوید با کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که بیش از ۲ هزار و چند صد کیلومتر با ما مرز مشترك دارد باید دوست بود احترام متقابل بوجود آورد. حزب توده ایران میگوید دوستی با کشور ها و ملل پیشرفته و نیرومند جهان که در راه صلح و دموکراسی گام برمیدارند ضامن بقا و استقلال ملت ایرانست و طرد امپریالیسم خارجی و عمال داخلی آن ضامن استقلال ماست. تجربه و حوادث سالهای اخیر خوشبختانه نشان داده است که هر مجاوزی که جسارت کند روی یکی از کشور های خواستار دموکراسی دست بلند کند پاسخ شایسته‌ای از دوستان آن دریافت خواهد داشت.

ما امروز دیگر در دیدهٔ اندیشهٔ خود جهانی سرشار از افتخار و شادمانی میبینیم جهانی که در آن اندیشه وسعت میگیرد و تا امیدی به ابدیمی انجامد و پهانه اینکه علی بفلان یا بهمان هدف بیفتدار آسیب میرساند بعنوان علی جانبازار محکوم نمیشود. آیا منصفانه است در چنین عصری ما را که هدفی جز وطن دوستی نداریم بنام وطن فروشی خیانت، اجنبی پرستی و مخل آسایش مردم و استقلال مملکت تحت تعقیب قرار دهید و کار ما را بدادگاه بکشانید. آیا اینست مفهوم ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر که میگوید (هر کس بعنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد) و باز در ماده ۱۱ همین اعلامیه میگوید (آزادی فکر و عقیده یکی از حقوق گرانبهای بشری است هر کس مجاز است که آزادانه هر چه بخواهد بگوید، بنویسد، بنویسد و طبع کند) مگر نه اینست که ایران عضو سازمان ملل متحد و اجرای مفاد اعلامیه حقوق بشر را تعهد و ذیل آنرا امضاء کرده است؟ چرا بجای اینکه بتوانیم آزادانه به نشر عقاید خود بپردازیم با هزار ترس و وحشت اتاق محدود ای در گوشه ای بگیریم و نازه مانند سیاه خصم عده ای بریزند تار و پود ما را برباد دهند و مشتی حروف و وسائل انتشارات ما را بغارت ببرند. میگویند اصل ما بر منتی در قسمت اوست هیچ منتی و هیچ قدری نمیتواند اعمال قدرت و حاکمیتی در مملکت بکند مگر آنکه مخصوصاً از جانب ملت مجاز باشد شما که متکی بقانون هستید و با ما باستناد قانون رفتار میکنید چرا بکجائیه تخلوت میکنید آیا هرگز از این هیئت و افرادیکه شبانه و گاه بیگاه بخانه های مسکونی مردم میریزند، زن و بچه های آنها را مضطرب میکنند و افراد را از آغوش خانواده چشم بسته و دست بسته میربایند و پشت‌بند کاههای انفرادی میکشانند و اموالشان را بغارت میبرند هرگز پرسیده اید که از جانب کدام ملت چنین حقی و اختیاری بآنها داده شده است؟ چه وقت از جانب ملت مجاز به اینکار شده‌اند؟ منهم قوانین و مقررات جاریه مملکت همه امور مربوط بسازمان ملل و کلیه مفاد اعلامیه حقوق بشر را مکرر خوانده ام. سوگند بحقیقت که هیچیك از آنها را مسئولین امور و صاحبان زور و قدرت اجرا و رعایت نمیکنند. در هیچ جائی از دنیا، در هیچ رژیمی با افراد یك مملکت تا این حد به سختی و خشونت و غیر قانونی رفتار نمیکنند.

قانون و مقررات بمنزله یك قطعه لاستیك در دست متنی از متنفذین و ثروتمندان قرار گرفته و بهر نحو که بخواهند و بهر طریق که مناقضان اراده نماید میکشند آزادی طبقه کارگر و وجود کار در مملکت، وجود احزاب مختلف، آزادی مطبوعات، آزادی انتخابات، توجه بقشر های مختلف زحمتکش مملکت، همه و همهٔ اینها بشوخی و تعارف بیشتر شباهت دارد از حدود حرف و مجامله هرگز تجاوز نمیکند آیا وجود چنین اوضاع و احوالی نمیتواند و نمی باید محرك وحشت و دیگران بشود که به نهضتهای دمکراتیك یعنی سازمانهای وابسته به حزب توده ایران بگروپیوند و بآن عشق بورزیم و نسبت بدان وفادار باشیم؟ در بازجوئی از من میپرسند که چرا گفته ام حزب توده ایران رسالت تاریخی دارد و چرا بآن گروپیوند اید و حتی در ادعانامه باین اظهار من بصورت یك سند جرم تکیه شده ومرا در ردیف مجرمین جنائی قرار داده اند. اولا من میخواهم بدانم که چرا اساساً در قانون مجازات عمومی ایران فعالیتهائیکه بر مبنای ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم استوار است، بعبارت دیگر تشکیل مجامع دمکراتیك را بچه مناسبت جرم شناخته اند و برای آنها مجازات سخت و سنگین در ردیف جرائم جنائی قائل شده اند و این خود تأسف آور است که پیروان چنین مکتبی را متهم بوطنفروشی و اجنبی پرستی و جاسوسی میکنند وقتیکه باین سلسله مطالب و اتهامات برمیخوریم واقعاً برای من این مثل پیش میآید که تمام مردم شوروی، خلق چین، ملل کشورهای سوسیالیستی و حتی عدهٔ کثیری از مردم فرانسه، ایتالیا و دیگر کشور هائی که بسوسیالیسم گروپده اند باید جاسوس و اجنبی پرست باشند و من نمیدانم این انسان های مترقی و پیشرفته با جهان بینی علمی بنفع چه کشوری جاسوسی میکنند و کدام اجنبی را میپرستند؟ بنظر منکه یك عضو ساده حزب پیش نیستم و نمیدانم اصولا فعالیتهای ناچیزم مورد قبول پیشگاه حزب و مکتبم واقع بشود یا نشود حزب توده ایران بفعالیت خود ادامه میدهد و خواهد داد و تا حتی برای است که به قشر های زیرین جامعه وابستگی دارد حزب توده ایران، حزب طبقات زحمتکش یعنی کارگران، دهقانان، پیشه وران و روشنفکران آزادیخواه است، بنا بر این طبقه کارگر که منهم فردی وابسته بآن هستم با سلاح علمی جهان بینی مارکسیسم ـ لنینیسم مجهز شده و طبعاً در این راه تجارب با ارزش مثبتهائی که با بکار بستن این جهان بینی رژیم سوسیالیستی در کشور خود بوجود آورده اند وطبعاً کشور شوروی پایگاه و در رأس همه آنها قرار دارد بکار میبندد و از آن سرمشق میگیرد. در زمینه سیاست خارجی حزب ما همواره طرفدار همکاری دوستانه با کلیه کشورهای آزادیخواه براساس تساوی حقوق ملل و حفظ صلح جهان بوده است. چنانکه بیرون کشیدن کشور ما از اردوی جنگ و تجاوز و کشتار و پیوستن به جبهه صلح و دموکراسی جزو اهم برنامه ها و شعار های حزب ما بوده است. در زمینه سیاست داخلی اولین بار جمعیت ملی مبارزه با استبداد که امروز در تمام دنیا حتی در بین کوچکترین و عقب افتاده ترین ملل اوج گرفته است، بازجوی زنان، مداخله دادن زنان در امور جاری کشور، تساوی حقوق زن و مرد، جمعیت ایرانی طرفدار صلح، جمعیت حمایت کودك، همه بوسیله حزب ما بوجود آمده و پایه گذاری شده است. مگر حزب توده ایران نبود که از آغاز تشکیل حزب همیشه گفته است و میگوید قروض دهقانان بالاکین بزرگ ارضی را لغو کنید، زمینهای فئودال های بزرگ را مالکین عمده و خوانین را بدون استثنا و بلاعوض در بین کاوزران بی زمین و کم زمین تقسیم کنید وسائل کاشورزی کافی در اختیارشان بگذارید. مگر حزب توده ایران نبود که میگفت باصلاح خودسرانه برخی مأمورین و متصدیان امور خانه دهید و دستگاههای اداری و دولتی را از وجود عناصر نالصالح، سود جو و متجاوز به حقوق و نوامیس ملت تصفیه کنید. چرا امروز بختیار ها را که مانند مرغ از قفس پریده اند دنبال میکنند و اصال و افعال آنها را در جراید منعکس میکنند؟ سالها پیش از این حزب توده ایران پرده از این راز ها برداشت تنها گوش شنوا وجود نداشت و از روزنامه اطلاعات دستور توقیف اموال سپهبد تیمور بختیار صادر شد، سپهبد بازنشسته تیمور بختیار باتهام انحراف، سودجوئی و تجاوز بحقوق و ناموس مردم محاکمه خواهد شد. ضمن صدور یك اعلامیه رسمی اداره دادرسی نیرو های شاهنشاهی اعلام داشت که دستور بازداشت و ضبط کلیه اموال بختیار داده شده است، متن اعلامیه بدین شرح است: «اعلامیه اداره دادرسی نیرو های مسلح شاهنشاهی ـ ضمن بررسی پرونده ها و سوابق موجود در شعب بازپرسی دادستانی ارتش معلوم شد که سپهبد بازنشسته تیمور بختیار که زمانی حساسترین مشاغل را در این کشور بعهده داشته و از هر گونه نعمات این کشور بهره مند شده شخص منحرف، استفاده جو، متجاوز بحقوق و نوامیس اشخاص بوده و از طریق نامشروع اندوخته های بیکرانی بدست آورده است، با توجه باقدامات اصلاحی و انقلابی مملکت که تحت رهبری شاهنشاه آریا مهر در سالهای اخیر صورت گرفته است بدون هیچگونه ملاحظه و تمیق کسانیکه بنحوی از انحاء علیه مصالح و منافع عمومی ملت و مملکت اقدام نموده باشند تحت تعقیب قرار گرفته و بکیفر خواهد رسید لذا دادستانی ارتش ضمن جمع آوری دلایل و مدارك کافی که تماماً حاکی از اقدامات سودجویانه و خلاف قانون سپهبد بازنشسته تیمور بختیار بوده و معلوم گردیده که وی ضمن تقدیم گزارشات خلاف واقع برای تأمین منافع نامشروع شخص خود از انجام هیچگونه اقدامی فرو گذار نکرده است. بدین لحاظ دستور بازداشت کلیه اموال نامبرده صادر و پرونده متشکله مراحل قانونی خود را طی و به کلیه اتهامات منتسب باو در دادگاه رسیدگی و جریان امر بموقع به استحضار ملت خواهد رسید».

دنباله درصفحه ٦

دنباله از صفحه ۳

آخرین دفاع رفیق آصف رزم دیده در دادگاه تجدید نظر نظامی

ماجرا ها و سر و صدا های سیاسی نکردند. وی بسخنان خود چنین ادامه میدهد آنمدت از زندانیان که جوان هستند و قدرتی دارند آنها را آنقدر در زندان نگهمیداریم تا پیرو ذلیل و فرسوده شوند و سپس از زندان بیرون بروند. دسته دیگری که نسبتا پیر و ناخورده هستند آنقدر خواهند ماند که جنازه آنها از زندان خارج گردد. این حرف کاملا درست است و بهمین ترتیب از سالها باین طریق اجرا میکردند. اما وجدانا آقای رئیس دادگاه و قضات محترم از شما که تحصیلکرده و حقوقدان هستید میپرسم مگر زندانی کردن افراد با استعلاص آنها و بالاخره استفاده از عفو و غیر آن نباید تابع قانون و آئین و مقررات خاص باشد؟ بمن بفرمائید اگر این رویه که دادستانی ارتش در پیش گرفته است و اجرا میکند درست است پس تکلیف قانون چیست؟ قانون چکاره است؟ کجاست؟ چرا اجرا نمیشود؟ و اگر شکستن و عدم اجرای قانون جرم است پس چه کسی میتواند مجرم و متخلف را تحت تعقیب قانونی قرار دهد؟ آقای رئیس دادگاه! قضات محترم! آیا این است معنی و ارزش واقعی وجود قانون؟

مواردزیادی از این قبیل قانون‌شکنیها، بیعدالتی ها، بی بند و باریها در کشور ما وجود دارد که من از گفتن آنها خودداری میکنم زیرا خوشبختانه شما همه مال این مملکت و مربوط به این آب و خاک هستید و در جریان قرار دارید و خوب میدانید که چه میخواهم بگویم حال بر گردیم باصل مطلب.

اولا در مورد غیر قانونی بودن دسته و جمعیتی یا رویه و مرام اشتراکی.

اطلاع دارید باصطلاح قانونی که در این باب وضع شده مربوط به سالهای قبل از ۱۳۲۰ یعنی خرداد ۱۳۱۰ است که ماده ٦۰ قانون جزا نسخ شده و ماده یك و دو جانشین آن گردیده است من این دو ماده را عیناً بیکدیگر قرائت میکنم زیرا جان مطلب در همین جمله است و همه اسرار در همین یك دو جمله نهفته است. ماده ۱ هر کس در ایران بهر اسم و یا عنوان دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی تشکیل دهد و اداره نماید که مرام و رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران و یا رویه یا مرام آن اشتراکی باشد و یا عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی شود که با یکی از مرامها یا رویه های مزبور در ایران تشکیل شده باشد. ماده ۲ هر ایرانی که عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی باشد که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران یا مرام یا رویه آن اشتراکی است، اگرچه جمعیت یا شعبه در خارج تشکیل شده باشد. منتهی در این مورد بخصوص که مربوط به سرنوشت من و رفیق منست اندکی بیشتر توجه فرمائید. در آن موقع همه میدانند که هستهٔ اصلی سوسیالیستی و بالاخص ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بصورت یك نقطه کوچکی ابتدا در کشور شوروی رسید و بنیان گذاران و پیشروان این ایدئولوژی بوجود آمد. جهانیان در آن عصر بدان با دیدهٔ ابهام آمیزی نگاه میکردند. جهان سرمایه داری بخصوص کشور هائی که رژیم آنها بر پایه استعماری و امپریالیستی مستقر بود پیشرفت و گسترش ایده ئولوژی علمی را طبعاً مانع سود جوئی و سد راه خود تشخیص دادند و آشکارا و پنهانی با آن به مبارزه برخاستند. رژیم آن زمان ایران هم خواهی نخواهی از آنها پیروی کرد و هیأت حاکمه و حکومتهای وقت که از مشتی فئودال و خوانین و شاهزادگان خواب آلود و بی اطلاع تشکیل میشد تصویب و طرح چنین قانونی را برای حفظ موقعیت و ادامه تسلط جایرانه خود لازم دیدند. باین ایده ئولوژی که در قدم اول خود تمام سنن و قرار داد های نکبتین قرار را در مورد ایران لغو کرد و زیر پا گذاشت با دیده شك و تردید نگاه میکرد. اما امروز تئوری مارکسیسم - لنینیسم بصورت یك پدیده جهانی در آمده - دنیای دور و نزدیك و ملل پیشرفته و در حال رشد با آغوش باز آنرا میپذیرند و یکی بعد از دیگری بآن میگروند تنها در کشور اتحاد جماهیر شوروی و چین بیش از ۹۰۰ میلیون نفر بقامه کوتاهی بآن گرویده و از آن پیروی مینمایند آیا اصولا صحیح بنظر میرسد که ما در چنین عصر و زمانی نسبت به مارکسیسم مانند نیم قرن قبل فکر کنیم و با دیده ۵۰ سال پیش بدان بنگریم و پیروان آنرا متهم کنیم باینکه اقدام بر علیه امنیت و استقلال کشور خود میکنند؟ مگر اینها همان پیروان مکتب مارکسیسم - لنینیسم نبودند و نیستند که برای حفظ آزادی و استقلال کشور خود و نیز رهائی دیگر کشورها از ستم فاشیسم در برابر هجوم وحشیانه ارتش هیتلری سینه سپر کردند و میلیونها تلفات دادند؟ درست توجه فرمائید در کشور هائیکه پس از جنگ دوم جهانی تا کنون زنجیر بیرحمانه استعمار را یکی پس از دیگری گسسته و باستقلال نائل آمده‌اند، در صف مقدم آنها چه کسانی قرار دارند شیفتگان آزادی و پیشروان نهضتهای ملی در اکثر کشورهای تازه استقلال یافته چه کسانی هستند. در الجزیره، کره، عراق، کنگو هم اکنون در ویتنام چه کسانی در برابر نیروی مهاجم امپریالیسم امریکا با آن سلاح مدرن و وحشتزا در برابر آزادی و استقلال کشور خود شجاعانه می‌ایستند و جان شیرین خود را در کف گذاشته در خون خود غوطه میخورند. واقعاً بی انصافی نیست اگر کسی بخواهد آنها را متهم باختلال در امنیت کشور نماید؟ حال بر گردیم در مورد اتهام خودمان. میگویند عضو حزبی هستم که منحله و غیر قانونی اعلام شده است باید بدانیم که چرا حزب توده ایران منحله و غیر قانونی اعلام شده و چه کسانی اینکار را کرده اند. بد نیست شما هم باین واقعیت توجه فرمائید. باز برای اینکه وارد جزئیات مطلب نشوم ومطلب بطول نیانجامد از ذکر تاریخچه کیفیت مبارزات ملی و تلاشی را که حزب ما در بیدار کردن مردم و بوجودآوردن جنبشهای ضدامپریالیستی داشته است صرفنظر میکنم و وارد جزئیات امر نمیشوم، اما همهٔ ما خوب بخاطر داریم که حزب توده ایران در بین قشر های مختلف مملکت ما ریشه دوانده است و بر خلاف میل باطنی و علیرغم کارشکنیها و سیاشهای دشمنان خارجی و عمال داخلی آنها در سالهای قبل از ۲۷ بتدریج دارای اوج مبارکرت و بخصوص مبارزات امپریالیستی و شعار های صلحجویانهٔ آشرا مردم هم پذیرفته بودند. برای اینکه بهانه ای بمنظور جلو گیری از توسعه آن بدست آورند در سال ۲۷ حادثهٔ ۱۵ بهمن دانشگاه را بوجودآوردند و روشن است که حزب ما هر گز درصدد بوجود آوردن چنین صحنه هائی نبوده و از انتقیل حوادث بطور کلی نفرت داشته است. بر همه روشن است که حادثه آفرینی و آودتا سازی از نظر حزب ما هیشه مردود بوده است. بهتر حال خوشبختانه حوادث بعدی بخوبی پرده ازروی راز و معما برداشت تا جائیکه رئیس مملکت در یکی از سخنرانیهای خود بصراحت اشاره میکند که همسر ضارب من در سفارت انگلیس کار میکرده است و انتساب فرد ضارب وسوء قصد کننده به سازمانهای غیر حزب توده ایران بعد ها مسلم میشود. در خلال این جریان وزیر کشور وقت که همه افراد مملکت بخوبی او را میشناسند و بخصوصیاتش تا حد زیادی واقف هستند - طرحی در هیئت وزراء میبرد و برای جلب رضایت اربابان خود حزب توده ایران را منحله و غیر قانونی اعلام میدارد، اما با وجود این در پیشرفت و توسعهٔ حزب کمترین اثری نمیکند و حزب همچنان پایگاه خود را در میان مردم حفظ مینماید.

کودتای نظامی سال ۳۲ نقشه سال ۲۷ را تکمیل میکند و متعاقب آن کشتار شدید براه میاندازد. چقدر خوب است که شما خودتان نتیجه آن کشتار را بررسی کنید و اندکی تعمق نمائید و ببینید در بین افکار عمومی که اثری گذاشته است و چگونه عاملین اصلی کشتار، امروز باتهام تجاوز بجان و مال و ناموس مردم و نیز تنظیم گزارشهای خلاف واقع تحت تعقیب قرار گرفته و اموال آنها مصادره میگردد و بعدهای از آنها نیز از طرف مردم عنوان آیتمن لقب داده شده است. از این بگذریم، از طرف دیگر حزب همچنان بکارش ادامه میدهد و پیروان آن بتدریج عمیقتر و مؤمنتر بآن میگروند. بررسی اجمالی سازمانهائی که از سال ۳۲ تاکنون مرتباً کشف و افراد آن دستگیر شده اند خود واقعیت امر را روشن میکند، طرف دیگر قضیه اینست که از سال ۳۷ تاکنون هیچیك که همه از کیفیت انتخابات و تشکیل آنها اطلاع دارید در مورد انحلال و غیر قانونی بودن حزب توده ایران کمترین اظهار نظری نکرده اند در تعجبم از اینکه تصویبنامه هیئت وزرا در سال ۳۷ آنهم با آن کیفیتی که باختصار عرض شد چرا باید بمنزله آب آسمانی تلقی گردد و تا دنیا باقی است باید بقدرت خود معتبر و باقی بماند؟ آیا مراجع ومقامات عالیتر و معتبر تر، از آن تاریخ تا کنون بوجود نیامده که در بارهٔ انحلال و غیر قانونی بودن حزب توده نظر بدهد؟ یا لااقل آن تصویبنامه را تأیید نماید؟ گفتند از آن این چه تصویبنامهٔ قانونی است که تا کنون هیچکس بدان توجه نکرده و مورد قبول هیچکس واقع نشده فقط کلمه منحله و غیر قانونی بصورت عادت و معمول در زبانها جاری میشود. حال من میخواهم ببینم چه کسانی اصولا سنگ غیر قانونی بودن حزب توده ایران را بسینه میزنند و چگونه بدین ترتیب فقط منافع و اغراض شخصی خود را تأمین مینمایند؟ قبل از همه آنها سازمان امنیت در اینکار پافشاری دارد این سازمان عریض و طویل نه تنها در مورد حزب توده ایران بلکه در مورد هر سازمان ملی و میهنی دیگر پرونده سازی میکند. سالیان درازیست که در راه مظنون تراشی کار میکند هر کس را با چشم پر از سوء ظن مینگرد و با توجیهات عجیب وغریب خود، هزاران بیگناه را با خاك یکسان کرده و دودمانشان را بر باد داده است. با صرف بودجه بی حسابی که در اختیار دارد برای جاسوسی وحشتی بیسابقه در کشور ایجاد کرده بطوریکه دو نفر دوست نزدیك بهم جرأت ندارند با یکدیگر آهسته حرف بزنند کار جاسوسی و تفتیش افکار و عقاید تا حدی بالا گرفته که پدر قادر نیست گرفتاریهای روزمره خود را با پسر در میان گذارد. سازمان امنیت همان کانون فجیعی است که بمؤسسه تفتیش و کنترل عقاید قرون وسطائی بیشتر شباهت دارد.

من میخواهم از شما بپرسم که آیا اظهارات انتقاد آمیز چند جوان دانشجو، چند کاسب، چند کارگر، چند کاوزرز و جمع شدن آنها بدور هم فیلم بر علیه یك حکومت میتواند محسوب شود و صدمه به استقلال کشور وارد آورد؟ قانون، عدالت، وجدان، حقیقت کجا حکم میکند که آنها گروه گروه، دسته دسته از طبقات مختلف مردم بجرم آزادی خواهی و بگناه اینکه با استعمار مبارزه میکنند و یا افکار و تمایلات دموکراتیك دارند و بالاخره صاحب عقیده مستقل و مشخص هستند و یا از یك ایده ئولوژی خاصی متابعت میکنند بشکنجه گاهها و زندانها بکشانند و سالها در آنجا نگهدارند و سپس بصورت فردی معلول و دودمان برباد رفته رهایشان سازند و تازه مانند سایه هیشه در تعقیبشان باشند؟ در کجای این مملکت شما کوچکترین اثری از دموکراسی و آزادی میبینید و آیا نامی از باصطلاح آزادی جز در روزنامه های مزدور و دستگاه تبلیغاتی رادیو جای دیگر میشنوید؟ در کجا و چه وقت آقایان روحانیون حتی برای انجام فرائض دینی نمیتوانند در گوشه مسجد دور هم جمع شوند؟ از بعد از حادثه مرداد ۳۲ تاکنون چه وقت مردم این مملکت توانسته‌اند در انتخاب سرنوشت خود، در انتخاب نمایندگان مجلسین و حتی در انتخاب انجمنهای محلی کوچکترین مداخله ای داشته باشند و بتوانند اظهار نظر نمایند. همه شما جریان ساختگی کانکره آزاد زنان و آزاد مردان

دنباله در صفحه ۵

آخرین دفاع رفیق آصف رزم دیده در دادگاه تجدید نظر نظامی

دفاع دلیرانه ای که در دادگاه درجه تجدید نظر نظامی ایراد شده و ذیلا متن آنرا میخوانید، معرف یک کارگر انقلابی و با ایمان، رفیق آصف رزم دیده کارگر مطبعه، مخفی حزب ما در تهران است.

رفیق آصف رزم دیده بهمراه دوست خود رفیق صابر محمد زاده به اتهام سازشکاری «فرقه» و اقدام علیه امنیت و استقلال مملکت محاکمه شدند و رفیق آصف رزم دیده به شش سال زندان محکوم شده است.

در متن لایحه دادستانی نظامی در باره رفیق آصف رزم دیده چنین میخوانیم: «با آنکه مسئولیت حزبی متهم پرونده از صابر محمد زاده که فرد بالادست او محسوب میگردد کمتر میباشد مع الوصف نامبرده نیز از بهانه داشت تعصب حزبی خود را حفظ و در باره حزب توده چنین نظر داده است که حزب مذکور رسالت تاریخی دارد و تنها حزبی است که به پائین ترین طبقه اجتماع تعلق دارد و همدفش تأمین خواسته های زحمتکشان و سازمانده این توده ها است. این طبقه، بنظر قطعی او، فقط و فقط در صورت طرح خواستهای مشروع منطبق به مراحل مختلف و شرایط مناسب امکان پذیر است بهدف نمود خواهد رسید و حزب جز ژیان گویا برای طبقه زحمتکش چیز دیگر نیست و خواست حزب خواست جامعه است.» چنین است بیان کیفرخواست دادستان نظامی.

این توصیف کیفر خواست از عقاید و نظریات رفیق آصف رزم دیده، خود بهترین معرف روش او در بازجوئی و در دادرسی و سندی است که یک مبارز میتواند بدان افتخار کند.

رفیق آصف رزم دیده

دفاع رفیق آصف رزم دیده در ثبات مدافعات وفای دیگر حزبی ما در دادگاههای نظامی نشانه بالا رفتن درجه استواری و مقاومت رزمندگان ضد رژیم، وجوه عالی پیکارجویانه آنها، درک عمیقشان نسبت به وظائف، آگاهی روشن آنها در مورد مشی حزبی است و سرانجام نمودار آن ریشه های عمیقی است که حزب ما در میان توده های مردم دوانده است.

چنین حزبی را نمیتوان نابود کرد. علیرغم همه ناکامیهای موقت این حزب زنده و پایدار است و بار دیگر بر رأس جنبش مترقی و انقلابی جامعه ما، ویرا بسمت هدف های عالی پیش خواهد برد.

«مردم»

تیمسار ریاست محترم دادگاه!

قضات ارجمند!

پرونده ام را مسلماً مطالعه و بررسی کرده اید. از ابتدا تا انتهای آن تنها یک مطلب بچشم میخورد و آن اعتراف صریح من به عضویت در حزب توده است. آقایان هم بدون شک در طول چند سال قضاوت به متهمینی نظیر و مشابه برخورد کرده اید، مطالب زیادی از طرف متهمین در رد یا قبول اتهاماتشان شنیده اید. اما آنچه که من در این مقدمه میخواهم عرض کنم در مورد اتهام و بطور کلی در باره پرونده مربوطه نیست، بلکه مطلبی است که نه تنها برای من متهم حتی برای خود شما قضات هم تازگی دارد و شاید تا کنون بچنین مطلبی اصولا برخورد نکرده باشید. چون اولین بار است گرفتار میشوم از کیفیت تشکیل دادگاههای نظامی و نحوه قضاوت آنها و اینکه در مورد متهمین تا چه حد رعایت اصل بیطرفی اجرا میشود میخواهم اعلام نمایم و آنچه را که در خارج - افکار عمومی قضاوت میکرد و شنیده میشد برای من باور کردنی نبود، زیرا عقیده ام بر این بود و هنوز هم بر این عقیده هستم که دادگاه باید روی اصل وظیفهٔ مقدسی که بر عهده داردهمهٔ جوانب کار را بررسی کند و متکی بخود باشد و مستقلا رأی بدهد. در دادگاه بدوی با کمال تأسف چنین کیفیتی مشاهده نشد چون دادگاه تشکیل نگردید زیرا حداقل رسمیت دادگاه، اینست که اعضای محترم دادگاه بنشینند و رسمیت جلسه را اعلام کنند. دادستان، وکیل یا وکلای مدافع حرف خود را بزنند و بالاخره به متهم اجازه بدهند حرف خود را صحیح یا نادرست، مستدل یا غیر مستدل بزند. عبارت دیگر محکمه از نظر حفظ ظاهر امر هم شده تشکیل بشود. در مورد ما چنین تشریفاتی بعمل نیامد بدین معنی صبح روزیکه ما را بعنوان طرح آخرین دفاع بدادگاه میآوردند اولیاء زندان شماره ۳ قصر متن دفاع ما را گرفته و حتی یک کلمه و یک نامه چنصفحه ای هم که ما بتوانیم با خود بدادگاه ببریم مقدور نبود و این پیداست که هر یک از ما دو نفر که کارگر ساده و حدود اطلاعات علمی ما از دبیرستان تجاوز نمیکند و اهل نطق وبیان هم نیستیم چگونه و چه ترتیب میتوانیم از خود دفاع کنیم. خلاصه وقتیکه وارد دادگاه شدیم قبل از بیان هرصحبتی جریان را بعنوان اعتراض و شکایت تقدیم دادگاه که مرجع صالحی بود درمیان گذاشتیم واز وکیل مدافع جدا تقاضا کردیم که ترتیبی بدهد و اوراق و دفاعیه ما را از زندان مطالبه کند و در اختیار ما بگذارد تا قرائت بشود و هیجده از آقایان حاضر در دادگاه کمترین حرفی نزدند و آوجه کمترین ترتیب اثری بحرف ما ندادند و بلافاصله دو سه دقیقه نامهٔ محکومیت ما را مانند یک حکم اداری و یک برگ اطلاعیه که قبلا حاضر و آماده شده بود وسیله منشی بما ابلاغ کردند و هر یک بی کار خود رفتند. ما هم مانند فردی متحیر کمی بعد و دیوار نگاه کردیم و مجددا باقامتگاه خود یعنی زندان وارد شدیم. این بود جریان تشکیل دادگاه بدوی ما و نقش وکیل مدافع و نتیجه قضاوت آقایان قضات دادگاه. حال من نمیدانم آیا این جریان را میتوان نام دادگاه گذاشت و بر آن رسمیت قائل شد و این محکومیت را پذیرفت یا خیر؟ و آیا دادگاهی که ۱ تا ۱۰ نفر ما را دعوت کرده است در حقیقت همان دادگاه بدوی است یا خیر؟ باید بآن چشم دادگاه تجدید نظر نگاه کرد؟ در هر حال اگر اعتراض ما مورد قبول واقع نگردید همان دادگاه بدوی تشکیل شده است که ما وظیفه دیگری داریم و اما اگر دادگاه تجدید نظر در حقیقت آخرین مرجع است که باید سرنوشت ما را تعیین نماید پس اجازه بفرمایید تا حرف خودمان را به تفصیل بزنیم و آنچه را که بنظر میآید بعنوان آخرین دفاع بگوئیم و سپس بانتظار صدور نتیجه رای بنشینیم.

در کیفرخواستی که علیه اینجانب و متهم دیگر حاضر در دادگاه تنظیم شده مینویسد «یزه انتسابی بدو نفر متهمان معرز و مسلم و در درجه جنایت میباشد عمل آنها منطبق است با ماده یک قانون مفسدین علیه امنیت و استقلال کشور و باین ترتیب ما را از سه سال تا ده سال زندان محکوم کرده اند مقدمتا باید عرض کنم که متهم مثل همه افراد مملکت معتقدم که نظم جامعه بدون وجود قانون مقدور و امکان پذیر نیست - وقتیکه نظم نباشد هر در انتخاب راه و رسم زندگی سر گردانند. بنا بر این قانون برای جامعه لازم و مقدس است. حال میخواهم بدانم که قانون و علت و منشأ آن از کجاست؟ چگونه بوجود میآید و در چه صورتی باید اجرا شود و کیفیت اجرای آن چگونه است و چگونه باید باشد. البته قصدم این نیست که در این باب وارد کلیات مطلب بشوم و به تجزیه و تحلیل امر بپردازم اما همینقدر میخواهم عرض کنم وقتیکه میگویند هرجامعه در هر مرحله ای که قرار دارد حیات آن بر اساس قانون استوار است - برای اینست که قانون وزن زندگی است و از جامعه برخاسته و هیئت و در همه حال مافوق زمامداران و حتی سلاطین است. اکثر فلاسفه میگویند که سلطان و زمامدار نه تنها مافوق قانون نیست بلکه مطیع قانون است و باز میگویند که قانون - قانون جامعه است نه قانون عده ای بخصوص و یا دستگاه بخصوص. امیراطوران رم حتی تصدیق میکردند که باید مطیع قانون باشند و وزن و اعتبار خود را در سایهٔ قانون میجستند. حال از انواع قانون و کیفیت تصویب آن بگذریم میخواهیم ببینیم و بدانیم که چرا و بچه علت دسته دسته و گروه گروه از افراد مملکت ما را بارتکاب عمل غیر قانونی و یا تخطی و تجاوز از قانون متهم میکنند. علاوه مسئله اطاعت از قانون چگونه و بچه ترتیب و تا چه حدی میباشد و اصولا چرا و چه موقع مردم موظف باجرای قانون و اطاعت از آن هستند. نظریه های زیادی در این باب است که از بحث همهٔ آنها صرفنظر میشود خلاصه آن اینست که عده ای در این باره میگویند مردم باید مطیع قانون باشند مگر در موردیکه قانون تحادم با قوانین بالاتر مانند قوانین الهی یا نوع طبیعی که مسلماً آزادی عقیده، بیان، قلم، مذهب، فلسفه و سیاست که جزء آنست داشته باشد، دسته دیگر عقیده دارند که قانون را باید اجراء کرد مگر در مواقعی که برحسب قضاوت جامعه، عدم اطاعت آنرا ارزش بیشتری و بهتری برای جامعه داشته باشد و باعث ترقی و سعادت و بیداری جامعه باشد. مهمتر ازهمه اینها اگر قانون موقعی باید اجرا شود و اطاعت گردد که وجدان باطنی افراد صحت و عدم نقض آنرا تأیید نماید. بعبارت دیگر وقتیکه قانون مورد قبول وجدان فرد واقع نگردید و شایسته و کافی بنظر نرسید، الزامی به اطاعت آن ندارد و میتوان آنرا کنار گذاشت بکن تلقی نبود. شادروان و آثر تقی ارانی دراین باب میگوید «فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد». خلاصه اینکه از طرف مدعیان و مجریان اجرای آن نیز لااقل محترم و معتبر شمرده شود و بدون تغییر و تبدیل رعایت گردد. برای روشن شدن مطلب مثالی میزنم و شاهد زنده ای را ارائه میدهم و انتظارم اینستکه دقیقاً توجه فرمائید

همهٔ شما میدانید که از سالها قبل کشت تشخاش و بطور کلی مصرف و خرید وفروش مواد مخدره بخصوص تریاک و مشتقات آن برابر مواد قانون ممنوع اعلام شده است و باز میدانید که وارد کردن تریاک از خارج بهر نحوی از انحاء تحت هر عنوانی غیرقانونی و این کار بوسیله افراد عادی مقدور نیست و یک شخص نظیر من و حتی شما هم قدرت ندارد ذرهای مواد مخدره ازخارج وارد کند. حال ببرمائید تریاک بصورت کیلو، من، خروار و حتی تن بچه وسیله و چگونه در بین مشتی از افراد مملکت ما توزیع میگردد؟ در نتیجه زندانها از فروشنده و خریدار و بالاخره مصرف کننده هروئین وغیره پر شده است؟ مثال دیگری عرض میکنم چندی قبل جشنی که مناسبت آنرا در نظر ندارم در زندان تشکیل میشود و دادستانی کل ارتش در حضور جمعی زندانی و غیر زندانی صریحاً ضمن بیان مشروح خود میگوید ما شما را به این دلیل بانجا آورده ایم و زندانی کرده ایم که دیگران به بینند و عبرت بگیرند و دنبال

دنباله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۱

قطعنامه پلنوم دوازدهم در اطراف گزارش عمومی

برای حل مسائل بسود خود از موضع قدرت، برای حل مشکلاتی است که بدان دچارست ولی این تلاش او را دچار مشکلات تازه تری میکند.

۲ — مشکلات روز افزون امپریالیسم از جهت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی عبارت است از تعمیق تضاد بین کشور های امپریالیستی، تشدید مبارزات طبقاتی در کشور های سرمایه داری، بحرانهای مالی واقتصادی.

اعتصاب عظیم طبقه کارگر فرانسه تحت رهبری حزب طبقه کارگر، پیروزی بزرگ حزب کمونیست ایتالیا در انتخابات اخیر، مقاومت روز افزون مردم امریکا در قبال سیاست جنگ و تجاوز و نژاد پرستی امپریالیسم در کشور خویش، تشدید مبارزه نیرو های مترقی در آلمان غربی بر ضد تئوانزیسم و تسلط انحصار های سرمایه داری و سیاست جنگ و تلافی جوئی مخافل حاکمه این کشور، مبانی قدرت سرمایه داری را در بعضی از متروپولهای آن به تزلزل انداخته است.

۳ — نبرد نیرو های آزادیبخش ملی بر ضد امپریالیسم و استعمار نو و کهن روز بروز شدت میابد و کشور ها و قشر های تازه ای از خلقهای این کشور ها را در بر میگیرد. این نبردست عادلانه، بنفع استقلال ملی، آزادی و نجات این خلقها از یوغ ستم امپریالیسم و کمك بزرگیست به مبارزه کشور های سوسیالیستی بر ضد امپریالیسم جهانی و مبارزه احزاب کمونیست و کارگری کشور های سرمایه داری.

نبرد قهرمانانه خلق ویت نام و شکست های مکرری که به دستگاه عظیم نظامی امپریالیسم امریکا وارد کرده است نشانهندهٔ درشکستگی سیاست امپریالیستی از موضع قدرت است. چنانکه پشتیبانی نیرومند کشور های سوسیالیستی و جنبش انقلابی کارگری جهانی باین نبرد نیروئی فراوان میبخشد.

۴ — روش ماجراجویانه امپریالیسم بویژه امپریالیستهای امریکا و آلمان غربی بر خطر جنگ جهانی میافزاید. در این شرایط حفظ هشداری در دفاع از صلح جهانی بیش از پیش مبرمیت میابد. کشور های سوسیالیستی و در پیشاپیش آنها اتحادجماهیر شوروی، احزاب کمونیستی وکارگری، جنبش رهائی بخش ملی و کشور ها و نیرو های دیگر خواستار صلح، ازصلح جهانی در قبال توطئه های امپریالیستی صیانت و مدافعه میکنند. سیاست های هنرمندی مسالمت آمیز ما بین سیستمهای سرمایه داری و سوسیالیستی بهترین روش برای دفاع از صلح جهانی است.

حزب توده ایران بر آنست که سیاست هنرمندی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای سیستم های اقتصادی، اجتماعی مختلف، با اجبار و تشدید مبارزه بر ضد امپریالیسم از طرف احزاب کمونیست و کارگری کشور های سرمایه داری و جنبشهای آزادیبخش ملی بهر شکل که ضرور باشد بشیوه تناقضی نتاردد، بالعکس اجرای سیاست هنرمندی مسالمت آمیز امکانات نوینی برای این مبارزه فراهم میکند، پایگاه امپریالیسم را بیش از پیش محدود میسازد. این وظیفه احزاب کمونیست و کارگری کشور های سرمایه داری و جنبشهای آزادیبخش ملی است که با بررسی مشخص این امکانات، حداکثر از آن استفاده کنند و مبارزات خود را هر چه بیشتر وسعت دهند.

هنرمندی مسالمت آمیز میان سیستمهای مختلف اجتماعی - اقتصادی بهیچوجه سستی هنرمندی ایدئولوژیك نیست، بالعکس تشدید مبارزه در این زمینه را ایجاب میکند. از این رهگذر میتوان هنرمندی مسالمت آمیز را بیك سلاح برنده بر ضد امپریالیسم و بنفع صلح، ترقی و سوسیالیسم مبدل کرد.

۵ — حزب توده ایران معتقد است که مبارزه در راه خاتمه سلاح عمومی، منع سلاح اتمی، ایجاد منطقه های آزاد از اتم، لغو پیمانها و پایگاههای نظامی امپریالیستی، انعقاد پیمانهای امنیت جمعی وغیره خواستهای مشخصی است که بخاطر پیروزی امر صلح جهانی باید در راه آنها مبارزه کرد.

۶ — بحران سیاسی اخیر خاورنزدیك و میانه که نتیجه تحریکات امپریالیستی وتجاوز اسرائیل به کشور های عربی است، خطر بزرگی برای صلح و امنیت منطقه ای و جهانی از جمله صلح و امنیت میهن ما بوجود آورده است. اولین قدم حل این بحران، تخلیه تمام مناطق اشغالی از طرف نیرو های تجاوزکار اسرائیل است.

حزب توده ایران مبارزهٔ عادلانه خلق های عرب را در راه حفظ تمامیت ارضی و استقلال ملی کشور های خویش و حل مسئله آوارگان عرب فلسطین را قویا تأیید وتجاوز اسرائیل را بر ضد این کشور ها شدیداً محکوم میکند.

۷ — طی یکدوران طولانی خلیج فارس، از مرا کز تسلط وتحریك امپریالیسم بر ضد ملل منطقه خلیج فارس، پایگاه حفظ تسلط امپریالیستی انگلستان بر هندوستان و سایر کشور های این منطقه بوده است. اکنون که بر اثر تغییر تناسب قوا در جهان امپریالیسم انگلستان در حال عقب نشینی از این منطقه است، میکوشد که با نیرنگهای تازه مقاصد امپریالیستی خود را باشکال نوین حفظ کند. در همانحال امپریالیسم امریکا که هم اکنون دارای مواضع نیرومندی در این منطقه است سعی دارد که جای امپریالیسم انگلستان را در این منطقه اشغال کند.

حزب توده ایران تحریکات امپریالیستها و دست نشاندگان آنها را در این منطقه شدیداً محکوم میکند و معتقد است که باید با تمام قوا برای بیرون راندن امپریالیسم از این منطقه مبارزه کرد. ما معتقدیم که اتخاذ تصمیم در باره سرنوشت خلیج فارس، منابع طبیعی آن، تشخیص تعیین حقوق ملل این منطقه بعهده ملل ساکن این منطقه است. خلقهای منطقه خلیج فارس در مبارزه علیه امپریالیسم منافع مشترك دارند و کاملاقادرند مسائل بین خود را با روح برابری و احترام متقابل بحقوق یکدیگر حل نمایند.

ب - در باره وضع کشور و وظائف حزب ما

۱ — در پلنوم در اطراف گزارش عمومی بوروی کمیته مرکزی و مسائل رشد و تکامل کنونی جامعه ایران و وظائف حزب ما در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع وبسود استقلال و دموکراسی بحث جالب و جدی انجام گرفت، رهبری حزب در فاصله بین دو پلنوم برای تحقیق استنباط خود از واقعیت امروزی ایران و تغییراتی که در آن رخ میدهد و تنظیم واقع بینانه وظائف حزب در این دوران کوشیده و اسناد معینی تنظیم و یا منتشر ساخته است. گزارش عمومی و بحث های پلنوم دوازدهم (پنجم) کوشش دیگری است که در راه این تحقیق استنباط ما و تعیین وظائف انجام گرفته است.

۲ — پلنوم به رهبری آینده توصیه میکند که بر پایه گزارش عمومی و با توجه به بحثهای پلنوم دوازدهم سندی تحت عنوان «تحلیلی از وضع کشور و وظائف مبرم حزب توده ایران در پیکار بخاطر استقلال ملی و دموکراسی» تنظیم کند. سند باید علاوه بر تحلیل جامعی از وضع کنونی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران، وظائف حزب را در برخورد با رژیم موجود، در مورد تامین وحدت نیرو های ملی و دموکراتیك، در مورد اجراء وظائف مبرم تاکتیکی و مدتهای استراتژیك با صراحت و دقت تعیین نماید و بدینسان حزب را با خط مشی روشن و بی ابهامی مجهز گرداند.

ج - فعالیت حزب در ایران

۱ — پلنوم با رضایت خاطر نشان کرد که فعالیت حزب طی سالهای اخیر در ایران بسط یافته و از اینکه حزب توانسته است علیرغم ضربه های سازمان امنیت به فعالیت خود ادامه دهد خرسندی خودرا ابراز میدارد.

۲ — پلنوم معتقد است که باید بیش از پیش از امکانات موجود در خارج و در داخل ایران برای بسط فعالیت سازمانی و تبلیغاتی حزب در ایران که عرصه اساسی فعالیت وی است استفاده شود.

۳ — پلنوم بکبار دیگر رعایت کامل اصول چهارگانه، عدم تمرکز - ترجیح کیفیت بر کمیت - تلفیق کار علنی و مخفی در ایران و تفوق رهبری از خارج و داخل را تأکید میکند و عقیده دارد که درشرایط کنونی ایران تنها از این طریق است که فعالیت ما پرثمرتر و امنیت آن بهتر تأمین خواهد گردید.

۴ — پلنوم به همهٔ رفقای حزبی در ایران که با پیگیری بفعالیت پرثمر خود ادامه میدهند درود میفرستد و موفقیتهای پایدارتری را برای آنها آرزو میکند. پلنوم بهمهٔ رفقای حزبی زندانی بویژه به رفقا پرویز حکمت جو، علی خاوری، صابر محمد زاده و آصف رزم دیده که در حساسترین لحظات حیات سیاسی و مبارزه خود از مرکز و جبهه‌های طویل المدت نهراسیده، از آرمانهای حزب یا پیگیری دفاع نموده اند شادباش میفرستد و یقین دارد حزبی که در دامان خود چنین افراد با ایمان و دلاوری تربیت کرده ومیکند به اجرای هدف های عالیه خود نائل خواهد گردید.

۵ — پلنوم از کارزار تبلیغاتی که برای نجات جان رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو بابتکار حزب صورت گرفته است قدردانی میکند و از همه احزاب برادر و سازمانها و جمعیتهای دموکراتیك و شخصیت های جداگانه که با اقدام و ابراز همدردی خود به حزب در نجات جان رفقای نامبرده کمك کرده اند صمیمانه تشکر مینماید.

د - روابط امور بین المللی و کار در سازمانهای توده ای بین المللی

۱ — پلنوم کمیتهٔ مرکزی اقدام بوروی را در بارهٔ سازمان دادن شعبه ویژه ای برای تامین، بسط و تحکیم مناسبات برادرانه با احزاب کمونیستی و کارگری و استقرار روابط دوستانه با احزاب مترقی، ضد امپریالیستی و دموکراتیك مورد تأیید قرار میدهد.

پلنوم کمیته مرکزی از بسط مناسبات حزب توده ایران با احزاب برادر ابراز خرسندی مینماید و رهبری آینده را مأمور میکند که در این زمینه بیش از پیش بکوشد و پیوند هرچه بیشتر حزب توده ایران را با احزاب کمونیستی و کارگری بویژه با احزاب برادر کشور های سوسیالیستی، احزاب کمونیستی و کارگری خاور میانه و نزدیك و سایر کشور های مجاور ایران تأمین نماید.

۲ — پلنوم کمیتهٔ مرکزی اقدام بوروی کمیته مرکزی را در مورد استقرار مجدد مناسبات با جامعهٔ کمونیستهای یوگوسلاوی مورد تأیید قرار میدهد. پلنوم به رهبری آینده توصیه میکند که موضع گیریهای گذشتهٔ حزب در باره یوگوسلاوی مورد وارسی مجدد قرار دهد.

۳ — پلنوم رهبری آینده را موظف میسازد که برای سازمان دادن و گسترش تبلیغات خارجی حزب بیش از پیش کوشش نماید و در مرحله نخستین کمیه موانع فنی و عملی که در مورد نشر منظم بولتن خارجی حزب وجود دارد، از میان بردارد.

(ماده ٤ منتشر نمیشود)

هـ - فعالیت در کشور های غربی

۱ — علیرغم دشواریهای ناشی از محیط خاص دانشجوئی در کشور های غربی و بحرانهای متعددی که سازمان ما در غرب از سر گذرانیده است، حزب ما در اثر کوشش پیگیری که طی مدت دو پلنوم کمیته مرکزی انجام شده توانسته است در راه اشاعه و رخنه دادن شعار های صحیح و واقع بینانهٔ سیاسی، صنفی بین دانشجویان و جلب توجه قشر آگاه آنان بسوی حزب به نتایج مثبتی برسد.

(ماده ۲ و بند های الف، ب و ج منتشر نمیشود)

دنباله در صفحه ٤

شانتاژ ترس

انتخابات پارلمانی فرانسه با پیروزی حزب هوادار دوگل و تائید مؤثرترین چپ پایان یافت . پیروزی هواداران دوگل پیوسته و در عین حال تعجب آور بود زیرا انتخابات ۱۹۶۷ که در آن هواداران دوگل پرخوخت توانستند حتی اکثریت نسبی بدست آورند و حوادث طوفانی قبل از انتخابات اخیر ، که پایه‌های رژیم و قدرت فردی را بلرزه در آورد ، همه حاکی از آن بود که حکومت دوگل رو به افول است . ناگاهی موتلفین چپ نیز غیر منتظره بود ، چون بسط نفوذ نیرو های چپ و قبل از همه حزب کمونیست فرانسه آشکار بود و اختلافی که بین حزب کمونیست و فدراسیون چپ ، پس از سالها کوشش خستگی ناپذیر حزب کمونیست ، فرانسه تحقق پذیرفت ، گمی بوهم و بدی در راه تشکیل یك جوان واقعاً دمکراتیك بشمار میرفت انتصاب مظلوم زحمتکشان فرانسه بر این امید میافزود .

اما اینك ترتیب آن پیروزی و این ناکامی را چگونه میتوان توجیه کرد ؟ باید با صراحت کامل گفت که: «انتخابات فرانسه ، شانتاژ ترس» پیروزشد. حزب فرانسه یکبار دیگر و این بار بطور پیچیده‌ای شرح آنی کمونیسم را بکار برد تا تمام عناصر متزلزل و در درجه اول خرده بورژوازی شهر و ده را از منظره پیروزی کمونیستها بوحشت اندازد . در اندازک این منظره عناصر افراطی چپ در میان دانشجویان (که بیهوجه نیلیسمیتها را با توده دانشجو یکی دانست) عناصری که در عمق وابستگی آنها به گروههای تیرو تکنیکتی ، مائوئیستی - آنارشیستی روز بروز آشکارتر میشد ، نقش اصلی را بازی کردند . باینگونه حزب کمونیست فرانسه با متانت و خونسردی و در عین حال با استحکام و پیگیری نقش مخرب این عناصر را از همان آغاز افشاء کرد و بهمه عناصر متزلزل و دمکرات هشدار داد که روشهای ماجراجویانه در عمل فقط بنفع ارتجاع و بورژوازی بزرگ فرانسه تمام خواهد شد (و انتخابات نشان داد که حزب کمونیست فرانسه تا چه حد حق داشت) ولی ، شانتاژ ترس ، مؤثر افتاد و این نتیجه تصنع آور را برآورد علاوه بر این باید این حقیقت را هم خاطر نشان ساخت که در جامعه‌ای که بیکاری بطور جدی میکشد) با تمام نیروی خود بر علیه نیروهای چپ و در درجه اول حزب کمونیست متحد شد . در جناح چپ نه فقط چپ رو های افراطی به تفرقه نیرو های چپ دامن زدند بلکه فدراسیون چپ نیز ، علیرغم تلاش حزب کمونیست فرانسه ، حاضر نشد که در باره برنامه عمل مشترك برای یك حکومت دمکراتیك با حزب کمونیست فرانسه توافق کند . بسخن دیگر و در یك کلمه عناصر افراطی راست و چپ نیز منبر نیرو هائی چپ واقعی و در درجه اول حزب کمونیست فرانسه متحد شدند و پیروزی بورژوازی بزرگ فرانسه را تأمین کردند . نه ادعای دوگل و هواداراش مبنی بر دفاع از «نظم و آزادی» و نه ادعای عناصر چپ افراطی مبنی بر مبارزه برای « سرنگون کردن نظام سرمایه داری» نمیتواند در این واقعیت تأثیری بدهد .

از جانب دیگر باید دانست که هنوز به آخر نرسیده است . حزب کمونیست بعنوان بزرگترین نیروی چپ پایگاه اساسی خود را در بین طبقه کارگر فرانسه و همه عناصر واقعاً مترقی و دموکراتیك حفظ کرده است (حزب کمونیست بیش از ۲۰ در صد آراء را بدست آورد و فقط ۱ درصد آراء خود را از دست داده است) . رژیم دوگل نیز با اندوهی از مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ، که ناشی از حکومت فردی و ذاتی نظام سرمایه داری است ، روبرو است . زندگی در آینده باز هم نشان خواهد داد که راه ایجاد راهی است که حزب کمونیست فرانسه پیشنهاد میکند .

فردا انتخابات فرانسه است که حزب پیشاهنگ طبقه کارگر باید مانند همیشه با استواری و پیگیری به عناصر افراطی راست و چپ و در راه اتحاد همه نیرو های واقعاً مترقی و دموکرات مبارزه کند تا بتواند راه را برای ایجاد یك حکومت دمکراتیك و نیل به سوسیالیسم آماده کند . حزب کمونیست فرانسه شایستگی خود را برای اجرای این وظیفه نشان داده است و بدون تردید تحت رهبری آن طبقه کارگر و نیرو های دمکراتیك فرانسه بر این وظیفه پیروزی خواهند رسید . م . اندوته

دنباله از صفحه ۱

گامی مهم در زندگی حزب ما

انتشار کراته گروه مائوئیست دون را محکوم میکند و بر آنست که حفظ وحدت وهمبستگی صفوف حزب تنها بامبارزه با هر گونه انحراف از چپ و یا از راست امکان پذیر است . تنها ازاین طریق میتوان از انواع اپورتونیزم و رویزیونیزم و انقلابیگریهای کاذب مصون ماند ، استراتژی و تاکتیك خود را بدرستی در شرائط بغرنج کنونی مبارزه تدوین نمود. وحدت و یکپارچگی حزب را بر پایه های مستحکمی استوار داشت و به آرمانهای طبقه کارگر و همه طبقات و اقشار زحمتکش و میهن پرست جامعه عمل بپوشاند .

در بحث های پلنوم دوازدهم به تحلیل بحران عمومی امپریالیسم و بویژه به بحران عمیقی که امپریالیسم امریکا این بزرگترین تکیه گاه ارتجاع جهان وژاندارم بین المللی را فرا گرفته است توجه خاصی مبذول گردیده است.

در جهان معاصر امپریالیسم امریکا به بزرگترین استثمار گر و دشمن شماره یك همه خلق های جهان تبدیل شده است ؛ مقدمات امپریالیسم امریکا بتدریج اهرم رهبری جهان سرمایه داری را از دست میدهد . علیرغم برخی ناکامیها که در سالهای اخیر در بعضی از صحنه های نبرد بزیان نیرو های انقلابی صورت گرفته است در خصوصیت و محتوی دوران ما ، در قدرتهای اساسی و نیرو های محرك جهان معاصر تغییری حاصل نگردیده است . هارتر شدن امپریالیسم بمعنای افزایش نیروی وی در صحنه جهانی نیست بلکه نشانه مشکلات فراوانی است که امپریالیسم با آنها روبرو گردیده است . خطر امپریالیسم افزایش یافته است ولی همراه با آن بمیزان زیادی بر امکانات پیروزی بر آن افزوده شده است. شکست اخلاقی ، سیاسی و حتی نظامی امریکا در ویت نام ، سیل عظیم اعتراض در سراسر جهان علیه جنگ در ویت نام ، عصیان سیاهان و گرسنگان در امریکا ، این بزرگترین مرکز جهان سرمایه‌داری بحران بسیطه مالی امریکا ، مجموعه ساختمان اجتماعی ، اقتصاد و سیاست این کشور را در برابر علامت سئوال قرار داده است .

شتاختن جهات ضعف وقدرت امپریالیسم بویژه امپریالیسم امریکا ، مهمی ما را بویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به یکی از پایگاههای عمده خود در خاور میانه تبدیل ساخته است برای نیرو های ملی و مترقی و دموکراتیك میهن ما که مبارزه خود علیرغم همه مشکلات با سر سختی ادامه میدهند حائز اهمیت فراوان است . از اینروست که تحلیل وضع ایران در بحث های پلنوم در پیوند نا گسستنی با تحلیل وضع سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی در جهان معاصر و بویژه در پیوند با وضعی که اکنون در خاور میانه حکمفرما است که بر اثر تجاوز اسرائیل و توطئه‌های امپریالیسم به یکی از کانونهای مهم بحرانی تبدیل شده است و کشور ما را نمیتوان از آثار و عواقب آن جدا داشت انجام گرفته است .

در در کنار تقل مباحثات پلنوم پروسه تحولاتی که در ایران میگذرد ، پیوند آن با گذشته و دورنمای آینده تحولات مزبور قرار داشت . قسمت اعظم وقت پلنوم دوازدهم (پنجم) به بحث خلاق در باره عبار اصلاحات بویژه اصلاحات ارضی و به پدیده های جدید در سیاست و اقتصاد کشور اختصاص یافت .

محتوی اساسی تحولاتی که در کشور میگذرد عبارت از گذار از فئودالیسم به سرمایه داری است و حال آنکه در مقیاس جهانی دوران ما دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است و پیوسته بر شماره کشور های در حال رشد که راه رشد غیر سرمایه داری را اختیار میکنند افزوده میشود .

تغییرات و تحولاتی کنونی در کشور ما در چارچوب حفظ منافع امپریالیسم وبسود سرمایه داران بزرگ کشور میگذرد ودرینزه و پورو کراتیزه جامعه انجام میگردد و در همجا منافع واقعی اکثریت مطلق جامعه ما از کار گران و دهقانان گرفته تا پیشه وران و کسبه و بورژوازی کوچك و متوسط زیر پا گذاشته میشود .

تغییرات و تحولات که در کشور ما صورت میگیرد در شرایط ترور و منع هر گونه فعالیت نیرو های اپوزیسیون و نو ابتدائی ترین حقوق دمو کراتیك فردی و اجتماعی است .

هدف عمده زمامداران رژیم در تغییرات و تحولات موجود حفظ و بسط تسلط خود و تطبیق صوری آن با شرایط جدید داخلی و خارجی است . در پلنوم در اطراف بهبود مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی و آغاز یك سلسله همکاری های اقتصادی و بسط مبادلات بازرگانی با این کشور ها بحث جالبی انجام گرفت . حزب ما از آغاز تأسیس خود همواره هوادار چنین بهبودی بوده است و از اینکه زمامداران ایران در این جهت گامهائی برداشته اند خرسند است و آنرا بمنزله عملی شدن نسبی یکی از خواست های خود و ا اثبرت مطلق جامعه ما تلقی میکند ، ولی باید توجه داشت که بهبود مزبور بهیچوجه بمعنای ترك سیاست ضد کمونیستی هیئت حاکمه ایران در مقیاس جهان و ضد توده ای اش در مقیاس ایران نیست . زمامداران ایران میکوشند از بهبود مناسبات مزبور برخی استفاده های تبلیغاتی برای پوشانیدن ماهیت ضد ملی و ضد دمو کراتیك خود بنمایند و با نشانی چند در پوند اثرناسیونالیستی حزب ما با احزاب کمونیستی وکارگری کشورهای سوسیالیستی خلل وارد سازند .

در بحثهای پلنوم به تغییراتی که در ساخت اقتصادی واجتماعی جامعه صورت گرفته و میگیرد توجه خاصی مبذول شده است از تغییرات مزبور نتیجه میگردد از یك سو پایه طبقاتی رژیم باشرکت بخش فوقانی بورژوازی ایران اعم از تجاری ، صنعتی ، مالی ، زمین دار ، اعم از کومپرادور و غیر کومپرادور ، سرمایه داران بزرگ ، افسران ارشد و کارمندان عالیرتبه دولت وهمچنین آن قسمت از مالکین بزرگ و کوچکی که هنوزشیوه تولید سرمایه داری را در املاك خود عملی نساخته اند بسط مییابد و از سوی دیگر بر ناهمگونی پایه اجتماعی مزبور افزوده میگردد گرایشها و نوساناتی که در سیاست و اقتصاد کشور مشاهده میشود ناشی از همین ناهمگونی ها است .

با بسط مناسبات سرمایه داری و تسریع قشر بندی در روستا ها و شهر ها ، افزایش دائم التزاید شماره کارگران صنعتی و کشاورزی تبدیل قسمت مهمی از روشنفکران به مزد بگیران ، خطر بی پائی و ورشکستی قسمت مهمی از بورژوازی کوچك و متوسط پایه های اجتماعی نیروهای اپوزیسیون و از آنجمله پایگاه اجتماعی حزب طبقه کارگر حزب توده ایران بنوبه خود در حال گسترش است .

همراه با بسط پایه های اجتماعی نیرو های اپوزیسیون زمینه عینی بیشتری برای ائتلاف وسیعی از همه نیرو های اپوزیسیون ملی ، مترقی و دموکراتیك که یکی ازشرایط مبرم تحول بنیادی در جامعه ما است فراهم میگردد .

برای استفاده صحیح از امکانات عینی موجود و تبدیل آن بواقعیت ، نقش ذهنی بویژه نقش تجهیز کننده ، سازماندهنده و رهبری کننده حزب ما بمثابه پیشرو ترین نیرو های انقلابی که رشد و تکامل و فعالیت پیگیر آن با تاریخ معاصر میهن ما در آمیخته است اهمیت بیشتری کسب میکند .

از این نظر اجرای تصمیمات پلنوم دوازدهم به استفاده بیش از پیش از امکانات موجود در خارج و در داخل ایران برای بسط فعالیت سازمانی و تبلیغاتی حزب در ایران که عرصهٔ اساسی فعالیت ، حزب ما است به مبرمترین وظیفه روز مبدل میگردد .

در اطراف گزارش « در باره تحول در رهبری » در پلنوم بحث همه جانبه ای صورت گرفت . بحثهای مزبور به تصمیمات مهمی منتهی گردید. پلنوم هیئت اجرائیه وهیئت دبیران را انتخاب نمود . با انتخاب از کانونهای جدید مرحله جدیدی از فعالیت حزب در داخل و خارج ایران آغاز میگردد .

تجهیز و تجمع و تشکل بیشتر نیروها ، بسط فعالیت و رهبری دوست آنها همه اصلی تمام تصمیمات و رهنمود هائی است که در پلنوم دوازدهم (پنجم) کنیه مرکزی اتخاذ شده است . اجرای تصمیمات و رهنمود های مزبور بدون تردید گام مهمی در جهت اجرای آرمانهای عالی حزب ما خواهد بود .

ر . خرسند

دنباله از صفحه ۲

قطعنامه پلنوم دوازدهم در اطراف گزارش عمومی

کار در مهاجرت

۱ — پلنوم حفظ سازمان مهاجرت و تحکیم و تقویت آنرا از نظر سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیك امری ضرور میشمرد. پلنوم معتقد است که این سازمان علاوه بر اینکه از نظر اجرای وظائف تبلیغاتی و تعلیماتی در خارج از کشور اهمیت دارد میتواند به مبارزهٔ حزب در داخل کشور نیز بنحو مؤثری کمك کند.

(مادهٔ ۲ منتشر نمیشود)

۳ — پلنوم اقدامات بروزی سکتیهٔ مرکزی را در مبارزه با انتساب بطور اعم و از آنجمله در مهاجرت تأیید میکند. قاطعیت رهبری در این مبارزه مورد پشتیبانی پلنوم است.

۴ — مبارزه پیگیر علیه انحرافهای اپورتونیستی «چپ» و راست، تربیت افراد با روح انترناسیونالیسم، تقویت روح انضباط حزبی در عین مراعات موازین دمو کراتیك حیات حزبی، آموزش اعضاء حزب از طریق تنظیم برنامه تعلیماتی حوزه‌ها، تشکیل جلسات سخنرانی، شرکت دادن اعضاء حزب در آموزشگاههای شبانه مارکسیسم ـ لنینیسم و فراهم ساختن وسائل تحصیل کادرهای حزبی در مدارس حزبی، سازمان دادن کمك مادی و معنوی به سازمان ما در ایران و به زندانیان سیاسی، تشکیل منظم جلسات حزبی بر پایهٔ مراعات اکید اساسنامهٔ حزب، دریافت منظم حق عضویت طبق نرم مصوبه رهبری حزب و اجراء فعال کلیه رهنمود های رهبری، عمده ترین وظائف سازمانهای حزبی ما در مهاجرت است.

کمك رهبری حزب بسازمانهای مهاجرت در اجرای این وظائف و کنترل منظم نحوهٔ اجراء، ایجاد وحدت کامل اندیشه و عمل و یکسان کردن شیوهٔ اجرای موازین تشکیل در سراسر سازمان مهاجرت یکی از وظائف مهم رهبری است.

رهبری موظف است که سازمانهای حزب را در مهاجرت بطور منظم در جریان تحولات داخلی ایران بگذارد.

۵ — پلنوم معتقد است که تربیت جوانان با روح میهن پرستی، انترناسیونالیستی پرولتری، آشنا ساختن آنها با زبان، تاریخ، ادبیات و سنن اجتماعی وسیاسی ایران وعلاوه بر این تشویق آنها به کسب تخصص در آن رشته از علوم و فنون که مورد نیاز میهن است ضرورت دارد. پلنوم رهبری را موظف میکند که در این باره تدابیر لازم را اتخاذ کند.

(اقسامی از مادهٔ ۵ و همچنین مادهٔ ۶ منتشر نمیشود)

ز ـ فعالیت تبلیغاتی و ایدئولوژیك حزب

۱ — پلنوم متذکر میشود که فعالیت تبلیغاتی و ایدئولوژیك حزب به بصورت انتشار روزنامه‌ها و مجلات، رادیوئی، انتشار کتب، تشکیل کنفرانسها و سمینارها بصورت گیرد. [illegible] پلنوم بسط بافته

و نشر بخش بوده است. رادیوی پیك ایران نقش مؤثری در افشاء امپریالیسم و ارتجاع، در تجهیز ایدئولوژیك مردم ایران با روح علاقه به صلح دموکراسی و سوسیالیسم و دوستی با کشور های سوسیالیستی، با روح پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع، ایفا کرده است. تشکیل سمینار های سکانه بمناسبت پنجاهمین سال انقلاب کبیر اکتبر و انتشار کتاب «انقلاب اکتبر و ایران» از اقدامات سودمند این دوران بوده است.

در زمینه انتشارات حزبی پلنوم ترجمه و انتشار کتاب سرمایه مارکس را امری بسیار سودمند و ادامه ترجمه و انتشار آنرا ضرور میشمرد و به رهبری آینده توصیه میکند کلیه وسائل آنرا فراهم نماید.

۲ — لازم است در کادر امکانات حزب فعالیت تبلیغاتی و ایدئولوژیك باز هم بسط و بهبود یابد و بویژه بکار آموزشی جدی افراد حزب از طریق ایجاد کلاسها و گروه های آموزشی برای آگاه ساختن افراد حزب از تاریخ جنبش انقلابی کارگری در جهان و ایران، استراتژی و تاکتیك جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و استراتژی و تاکتیك حزب ما در عرصه ایران، اصول کار سازمانی در شرایط کنونی و غیره دست زده شود.

۳ — از آنجا که بزودی پنجاهمین سالگشت حزب کمونیست ایران فرا میرسد به رهبری آینده توصیه میشود با این سالگرد به نحو شایسته ای برخورد نماید و از جمله سودمند است باین مناسبت سالنامه‌ای متضمن تاریخ مختصر حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران و معلومات ضرور تئوریك و برنامه‌ای و بیوگرافی انقلابیون بزرگ جهان و ایران و کلمات و قطعات و اشعار و سرود های منتخب انقلابی وتقویم تاریخی منتشر نماید.

۴ — پلنوم تنظیم تاریخ حزب طبقه کارگر ایران و جمع آوری اسناد و مدارك لازم در این باره را ضرور میشمرد و بدین منظور پلنوم پیشنهاد میکند تحت نظر رهبری آینده کمیسیونی تعیین گردد و این کمیسیون بخش اول این تاریخ را در باره سوسیال دموکراسی انقلابی و حزب کمونیست ایران تدارك نماید و حتی المقدور این کتاب در پنجاهمین سالگشت حزب کمونیست ایران منتشر شود.

۵ — پلنوم برهبری آینده توصیه میکند خود را برای برخورد شایسته به صدمین سالگرد لنین بزرگ از هر باره آماده سازد و این سالگرد را چنانکه در خورد آنست برگزار نماید و افراد حزب و مردم ایران را باشخصیت و تعالیم لنین کبیر بیش از پیش آشنا سازد.

۶ — پلنوم مجموعه اقداماتی را که از طرف رهبری حزب یا از طرف سازمان ایالتی ما در آذربایجان (فرقه دموکرات آذربایجان) در مورد صدمین سال ستارخان، گرد آزادی ایران انجام گرفته یا انجام خواهد گرفت و در گزارشهای تبلیغاتی

دنباله از صفحه ۱

شادباش کمیته مرکزی حزب ما به والتر اولبریشت

آلمان به یك کشور شکوفان صنعتی و ملایه دار نیرومند سوسیالیسم علیه امپریالیسم بویژه امپریالیسم آلمان و مجاهده پیگیر راه صلح دموکراسی و سوسیالیسم مبدل شده است.

در زمانی که در آلمان غربی، اندیشه های تلافیجویانه بار دیگر احیاء میگردد و نئو فاشیسم سرمایه میکند، مردم جمهوری دموکراتیك آلمان زندگی پر کار و کوشش صلح آمیزی را میگذرانند و با گامهای استوار بسوی ساختمان کامل سوسیالیسم در کشور خود پیش میروند. دلیل روشن بر علاقه و صداقت مردم جمهوری دموکراتیك آلمان به راهی که حزب سوسیالیست متحد بر گزیده است مراجعه‌ای است که چندی پیش در مورد قانون اساسی به افکار عمومی مردم این کشور شده است. این واقعیت که مردم آلمان در اکثریت قریب بتمام خود به قانون اساسی رأی موافق دادهاند در حکم رأی اعتمادی است که خلق به یکپارچگی طبقه کارگر یعنی حزب سوسیالیست متحد، کمیته مرکزی اش که بر راس آن شافرار دارید داده است.

علقهای صلح دوست بعمق از آنچه در آلمان غربی میگذرد و از آنچه تصویب «قانون فوق العاده» احیاء فاشیسم و میلیتاریسم نگرانند، این نگرانی موجهی است زیرا میلیتاریسم آلمان دو بار در جریان نیم سده بشریت را به گرداب جنگی ویرانی آور که در تاریخ بی سابقه بوده است کشانده است.

ولی وجود یك آلمان صلح دوست و دموکراتیك نمودار روشنی بر این حقیقت است که کسانی که میلیتاریسم را خصیصه فطری مردم آلمان میشمرند در اشتباهند. در زیر رهبری حزب سوسیالیست متحد نیرو های صلح دوست خلق آلمان چنین مدعائی را تکذیب میکنند. در قبال میلیتاریسم آلمانوك صلح دوست نیرومندی که وثیقه ظفر مندی اندیشه صلح ودموکراسی در سرزمین آلمان است ایجاد گردیده. تمام کار مایهٔ حیاتی و نیروی معنوی شایایان امر وقف شده است.

رفیق عزیز والتر اولبریشت!

احزاب ما نه تنها از طریق پیوندهای انترناسیونالیسم پرولتری با یکدیگر مربوط اند بلکه حتی قبل از پیدایش حزب توده ایران کمونیستهای ایران در سالهای دشوار نبرد علیه استبداد از توجه ویژه حزب کمونیست آلمان برخوردار بوده‌اند. این حزب در آن دوران به طبع و نشر ادبیات ما و تربیت دانشجویان ما باروح کمونیسم و انترناسیونالیسم پرولتری مساعدت ارزشمندی مبذول داشته است.

همچنین یاوری حزب سوسیالیست متحده آلمان و شخص شما در دورانهای دشوار حیات حزب ما فراموشی ناپذیر است. در صفوف حزب ما این امر به نحو در خوردی ارزیابی میشود و انگیزه نیرومندی برای تحکیم روابط مودت بین دو حزب ماست.

رفیق عزیز اولبریشت! اجازه دهید حقشناسی عمیق حزب خودمان را ابرازداریم و برای شما سالیان دراز عمر و کامیابیهای فراوان در فعالیت شریف شما بخاطر امرحق را آرزو کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

رادمنش

دنباله از صفحه ۱

قطعنامه در باره رهبری

در انتخابات اعضاء اصلی و مشاور هیئت اجرائیه استفاده شود پیشنهاد میشود تعدادی از اعضاء مشاور بعنوان عضو کمیته مرکزی با دو سوم آراء برگزاری شوند. برگزاری قبل از انتخابات هیئت اجرائیه انجام گیرد.

۴) جلسات هیئت اجرائیه بطور عادی هر سال سه بار برای رسیدگی بکار هیئت دبیران و صدور رهنمود های لازم تشکیل میگردد. هیئت اجرائیه موظف است پس از پایان هر اجلاسیه، اطلاعیه‌ای برای افراد کمیته مرکزی و مشاورین بفرستد و آنها را در جریان امور خود بگذارد.

۵) یکی از اهم وظایف هیئت اجرائیه کوشش برای تدارك کنگره یا کنفرانس کشوری طی سالهای آینده با شرکت رفقای ایران، غرب و مهاجرت است. در تدارك کنگره یا کنفرانس کشوری باید تکیه اساسی بر روی نمایندگان ایران باشد. هیئت اجرائیه باید بموقع و قبل از تشکیل جلسه صلاحیتدار گزارشی به پلنوم درباره اقدامات تدارکی خود در این زمینه بدهد. در صورتیکه نباشد جلسه صلاحیتداری اعم از کنگره یا کنفرانس تشکیل گردد، باید آئین نامه‌ای در این باره تنظیم و بتصویب پلنوم برسد.

۶) پلنوم بهیئت اجرائیه مأموریت میدهد که در باره جلب کادر های شایسته بمقامات مسئولیت دار حزبی طرح ویژه‌ای تدارك دیده به پلنوم آینده بیاورد و نیز لازم است از طریق ایجاد سمینار ها و جلسات مشورتی درباره مسائلی که لازم میدانند با کادر ها مشورت کند.

۷) از آنجا که در گذشته مناقشات و روشهای غیر اصولی زیان آنگیزی به حزب ما وارد ساخته است لذا پلنوم به هیئت اجرائیه متذکر اکیداً توصیه میکند اسلوب کار حزبی و رفیقانه را در بین خود مراعات نماید و به تشنج و قلج شدن و تصادمات و تناقضات تسالم راه ندهد. پلنوم هر عضوی از اعضاء هیئت اجرائیه را که این قاعده را نقض کند اکیداً مسئول خواهد شناخت. (مواد ۸و۹ از لحاظ سریت منتشر نمیشود)

۷ — پلنوم به رهبری آینده توصیه میکند چنانکه خود نیز در نظر داشته است سمیناری برای تهیه تزهای حزب در باره مسئله ملی ایران تشکیل دهد و این تزها را هرچه زود تر تنظیم و منتشر سازد.

اخباری از ایران

— تعمیرات منازل شرکت نفت را به مقاطعه کاران داده اند و در نتیجه ۲۰۰ نفر هنگام کار رسمی شرکت نفت را برکنار کردند . همین عمل با واگذار کردن امور باغبانی و نظافت محوطه های مسکونی شرکت به مقاطعه کاران و همچنین متعمل کردن اداره تعمیرات پمپخانها و کورا ها ، انجام گرفته است و ۳۶۰ نفر بیکار شده اند . شرکت اصفیه نفت نیز با واگذاری کارهای نظافتی بلایشگاه به مقاطعه کاران ۲۵۰ نفر کارگر را بیکار کرده است .

— شرکت اصفیه نفت در نظر داشت که ۵۰ کامیون را که حمل و نقل امور داخلی بالایشگاه نفت را بعهده دارند تحویل مقاطعه کاران نماید . رانندگان دست از کار میکشند و از تحویل کامیونها خودداری میکنند . ولی چون بیکاری در آبادان زیاد است ، مقاطعه کاران با استفاده ای روزانه کارگران و دادن روزانه ۶۵ ریال ، عدهٔ چندی برای کارگراف ایجاد کرده اند . کارگران سی روزه نمیتوانند بیمه شوند ، بعد از سی روز اخراج میشوند و صفحه جدیدی را استخدام میکنند .

— صف کارگران بالایشگاه آبادان ، که برای گرفتن پول از بانك رفاه کارگران اجتماع میکنند روز بروز طولانی تر میشود . از محل بانك تا محوطه بیمارستان که بیش از ۵۰۰ متر است ، این صف ادامه دارد .

— بخیار پور نماینده انتصابی آبادان درمجلس شورا ، هنگام بازدید از کارگران آبادان ، وقتی با تقاضاهای قانونی کارگران مواجه شد گفت «متأسفانه تقاضاهای شما خیلی زیاد است و منهم مأثر شدم . کارگران میگویند تأثر کافی نیست ، چرا برای برآوردن آن اقدام نمیکنید ، در اینجا نماینده ، مجلس میگوید اگر خواستهای شما با مصالح مملکتی ارتباط نداشته باشد ، موضوع را با مسئولین امور در میان خواهد گذاشت و کارگران صفه جمعی میگویند بیکاری و فقر چه ربطی به مصالح روز دارد ؟ بازدید بی نتیجه پایان میابد .

— مدتی است شرکت های برق خصوصی در تهران برچیده شده ، باصطلاح برق شهرداری شده است ، مدت چندین ماه برای کنتر نویسی نیامده و حالا بدفعات از مبلغ از ۲۰۰ تومان تا ۱۰۰۰ تومان علاوه بر پول برق پول میخواهند ، اجتماع مردم در اداره برق مرکزی به چندین صف بعد نفر میرسد و با وجود پلیس و مأمورین ، مردم از این وضع اظهار ناراضایتی میکنند و بدستگاه که با رادیو و روزنامه با مصاحبه و مقاله ، از رفاه وآسایش مردم دم میزنند اعتنا میشایند .

— شرکت اتوبوس رانی اتو توکل ، کارگران راننده و مکانیك را وادار میکند که روزانه ۱۱ ساعت کار کنند . عدهٔ زیادی فقط روزی ۷۰ ریال میگیرند . آنها را هر سال اخراج میکنند و دوباره استخدام میشایند تا قانون کار و بیمه های اجتماعی شامل حالشان نگردد .

— در محلی وقیحکه کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران تشکیل بود ، در چوب سازی تهران ، یکی از متصدیان کارگری را چنان مضروب میکنند که او را به بیمارستان منتقل میکنند و عاقله او سرگردان شد ، مثل این کارگر آسیب دیده است .

— با آنکه کارگران راه آهن بیمه هستند ، ولی هر وقت مراجعه به بهداری میکنند با مشکلاتی روبرو میشوند ، یا دستگیر نیست یا دوائی لازم وجود ندارد و باید از خارج خرید و اگر از یك خانواده چند نفر مریض باشند بیمه فقط یکنفر را معالجه میکند .

— در مسابقه فوتبال ایران ، و اسرائیل ، با آنکه اقلیتی میلیونر معروف و بانك عمرانی که بلیط های ورودیه به استدیه را چاپ کرده بود ، کوشش زیادی کردند که بلیطهای ارزان قیمت را خودشان بخورند و مانع ورود مردم به استدیه گردند ، ۴۰ هزار نفر بمعاشا میآیند و مسابقه بمشاهدات مردم علیه تجاوز کاران اسرائیلی و همکارانشان در ایران تبدیل میگردد ، در بازار و خیابان های مختلف مردم شعار هائی علیه صهیونیستها و متجاوزین اسرائیلی میدادند و انزجار خود را نسبت به استبداد و نبودن آزادی در ایران ابراز میکردند .

در باره مسافرت شاه به امریکا

در نیمه دوم خرداد ماه شاه از تهران بعربستان سعودی و سپس به حبشه و سرانجام بامریکا رفت در جده ضمن توقف کوتاهی با ابن سعود ملاقات و مذاکره نمود ، در حبشه چند روزی استراحت کرد و نزدیك یك هفته در امریکا اقامت گزید . روزنامه های رسمی و نیم رسمی هدف شاه را در عربستان سعودی تجدید روابط دولتی با این سعود تفسیر کردند زیرا در نتیجه تشکیل فدراسیون امارات شیخ نشین ها در خلیج فارس با شرکت عربستان سعودی روابط ایران و کشور سعودی بسردی وتیرگی گرائیده بود ، شاه در مصاحبه خود با سر دبیر روزنامه پاکستانی « دان » گفته بود که «خروج» نیروهای انگلیسی از خلیج فارس بایدواقعی و اصیل باشد ... فدراسیون پیشنهادی چیزی نیست بجز یك تمهید امپریالیستی و دولت انگلیس قصد دارد باین ترتیب بمدت از آنکه تا سال ۱۹۷۱ از شرق سوئز خارج شد ، از در دیگری باین منطقه وارد شود ، و حال آنکه خلاء قدرتی که بعد از خروج انگلیس از شرق سوئز پدید میآید باید بوسیله دولت های محلی پر شود .» در باره هدف مسافرت شاه به آمریکا اطلاعات ۷ خرداد از قول سخنگوی دربار اعلام داشت که ، «شاهنشاه آریا مهر ... برای مدت یکهفته بطور خصوصی به ایالات متحده امریکا مسافرت خواهند فرمود وبدعوت حضرت رئیس جمهوری امریکا در روز ۲۲ خرداد ماه ۱۳۴۷ ناهار را در کاخ سفید واشنگتن با معظم له صرف فرموده درباره مسائل مورد علاقه طرفین بطور دوستانه مذاکره خواهند فرمود . » مقارن انتشار خبر مسافرت شاه بامریکا بقول اطلاعات ۶ خرداد « خبر گزاریهای خارجی گزارش دادند ، وزارت خارجه ایالات متحده امروز اعلام کرد مذاکراتی بین مقامات دولت های ایران و امریکا برای فروش اسلحه در جریان است . مك کلوی ، سخنگوی وزارت خارجه امریکا گفت ، (امریکا تمایل خویش را برای ادامه همکاری نظامی با ایران ابراز نموده و به تقاضای دولت ایران بامیل طبیعی نگاه میکند.) هدف مذاکرات جاری با مقامات ایالات متحده خرید سلاحهای مدرن و بفرنج برای تجهیز نیروی دفاعی ایران است ... روزنامه های نیویورك مطالبی درباره فروش اسلحه انتشار داده اند و اضافه میکنند که ایران در پنج شش سال آینده سالیانه یکصد میلیون دلار اسلحه دریافت خواهد کرد . »

بالاخره شاه در روز ۲۲ خرداد با جونسون و در ایام توقف خود در امریکا با مقامات دولتی این کشور ملاقات و مذاکره کرد . در پایان مذاکرات شاه و جونسون طبق مرسوم اعلامیه ای که حاکی از روح «توافق» در کلیه مسائل مورد بحث بود ، صادر گردید در این اعلامیه دو مطلب مشخص قید گردیده که ما آنها را عیناً نقل میکنیم ، «شاهنشاه آریا مهر عزم راسخ ایران را مبنی بر نگاهداری یك نیروی نظامی کافی و مدرن بمنظور تأمین امنیت ملی این کشور تاکید فرمودند و پرزیدنت جانسن نیز اشتیاق ایالات متحده را بادامه همکاری با ایران در نیل باین هدف ابراز نمودند . آنچه مورد توجه و علاقه خاص شاهنشاه آریا مهر و پرزیدنت جونسون قرار گرفت ، تبادل مکاتباتی بود که اخیراً بین دولتین دو کشور انجام گرفته ودر آن آغاز یك برنامه همکاری علمی بین ایران و ایالات متحده در رشته های موردعلاقه طرفین موردموافقت واقع گردید.» خبر گزاری آسوشیتد پرس ضمن تفسیری از مسافرت شاه بامریکا نوشت که ، «شاهنشاه عقیده دارند که ایران باید قادر بدفاع ازخود باشد و روز گار داشتن پایگاهها در دنیا از قرار قدرتهای بزرگ پایان رسیده است . با توجه باینکه برای رفع بحران منطقه عربی خاور میانه امید کمی میرود ، شاهنشاه عقیده دارند که ایالات متحده نبایددرموقعیت خاصی قرار بگیرد باینکه خلاء قدرتی که باسخ نیازمندیهای همه را در این منطقه بعهده » روزنامه لوموند مورخ ۱۴ ژوئن در باره این مسافرت و نتائج آن نوشت که ، «جونسون موافقت خود را برای خرید سلاحهای مدرن در ماههای آینده ببلغ ۷۵ تا ۱۰۰ میلیون دلار بشاه ایران اعلام کرد . جونسون درعین حال که نظر نامساعد کنگره را برای دادن اعتبارات طویل المدت خرید اسلحه باشاه ایران در میان گذاشت ، مع الوصف بشاه ایران اطمینان داد که دولت امریکا با نظر موافق بتقاضای ایران در مورد خرید اسلحه برای سالهای آینده میانگرد . » شاه ضمناً با صاحبان صنایع و سرمایه گذاران معروف امریکا نیز ملاقات نمود و بقول اطلاعات ۲۴ خرداد « اظهار علاقه نمودند که در برنامه های توسعه اقتصادی ایران شرکت جویند .»

از روی اخبار رسمی فوق و تفسیر خبر گزاریها سه نکته معلوم میگردد ، اول آنکه چون شاه در عین حال که با نقشه فدراسیون امارات خلیج فارس که آنرا غیر اصلی می نامد مخالف و معتقد است که «بعد از خروج انگلیس از شرق سوئز ، خلاء قدرتی پدید میآید که باید « بوسیله دولتهای محلی پر شود» ، سعی نموده مقامات امریکائی را متقاعد نماید که در درجه اول ایران و سپس کشور های عربستان سعودی و کویت (سه کشور بزرگ صاحب نفت) در صورتیکه خوب مجهز و از لحاظ نظامی تقویت شوند قادر بحفظ منافع امپریالیسم امریکا و انگلیس در خلیج فارس خواهند بود . دوم آنکه بمنظور فوق وبرای حفظ «امنیت» ایران شاه تقاضای ششصد میلیون دلارسلاح مدرن از دولت امریکا کرده و دولت امریکا عجالتاً یا فروش صد ملیون دلار آن درسال جاری موافقت نموده وبرای سالهای آینده نیز هرسال در حدود این مبلغ وعده داده است . سوم آنکه شاه کوشش نموده تا نظر سرمایه داران امریکائی را بسرمایه گزاری بیشتر در ایران جلب کند و در این موردبا نظرمساعد آنها روبرو گردیده است .

ما نظر خود را دربارهٔ خلیج فارس مشروحاً در شماره های گذشته بیان کردیم و بار دیگر متذکر میشویم که «ایجاد خلاء قدرت» پس از رفتن انگلستان از خلیج فارس و لزوم «پر کردن» آن شعاری امپریالیستی است که هدف آن حفظ منافع گوناگون امپریالیست ها و در درجه اول منافع نفتی انحصارات خارجی است . قبول این شعار از طرف شاه در عین حال که جانبداری از یك شعار امپریالیستی است ، وسیله ایست که امپلوی ها دلار اسلحه و مهمات خریداری کند . ما بار ها نظر خود را در مورد خرید اسلحه و صرف درآمد کشور در راهی جز بهبود وضع زندگی مردم اعلام کرده ایم این بار نیز متذکر میشویم که اقدام حکومت ایران بخرید بلیون ها دلار اسلحه از امریکا در حالیکه دولت ایران برای اجرای برنامه چهارم بلیو میلیارد دلار اعتبار خارج از کشور نیازمند است ، مخالف منافع ملی ماست که بهیچوجه نمیتوان آنرا توجیه کرد . سالهاست که حکومت ما در صد هامیلیون دلار ارز کشور راصرف خرید وسائل نظامی و پرداخت هزینه های تاشی از شرکت در پیمان سنتو و حقوق های گزاف مستشاران نظامی امریکائی کرده و اکنون نیز برای ارضای هوسهای بلند پروازانه شاه ، پر کردن جیب صاحبان صنایع اسلحه سازی امریکا و اشغال موقعیت ممتاز در « پر کردن خلاء قدرت در خلیج فارس» باین اقدام ضد ملی ادامه میدهد .

درموردجلب بیشتر سرمایه های امریکائی بایران ، بار دیگر اعلام میداریم که این اقدام وابستگی ایران را باقتصاد سرمایه داری جهانی و استثمار هرچه بیشتر خلقهای ایران تشدید میکند و مخالف استقلال اقتصادی و سیاسی کشور ماست . اگر مسافرت شاه بامریکا بمنظور توقف قرار داد دو جانبه نظامی ، خروج از پیمان سنتو ، باز گرداندن مستشاران نظامی امریکائی و در یك کلام بمنظور آزاد کردن کشور ما از تسلط هائی که کشور ما را به ارابه سیاست غرب بسته است انجام میشد ، مورد تأیید و پشتیبانی مردم قرار میگرفت ولی مسافرتیکه برای انجام منظور های نام برده در بالا بعمل آمده چون موجب تشدید وابستگی ایران و تحکیم مواضع امپریالیستها در میهن ماست بحق در نظر مردم ایران نامیمون و اقدامیکه ضمن آن معمول شده محکوم است .

ا . گویا

هموطنان عزیز ! رفقای حزبی !

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیك ایران ، «مقدمه مردم» مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی تماس بگیرید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای پخش رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden